

سازمان جهانی ارتش امریکا و وابسته‌های آن

در جنگ‌های جهانی معاصر برخورد مستقیم میان تشکیلات جنگی - جهانی طرفین است که جبهه اصلی نبرد را تشکیل می‌دهد، همچنان که ارتش و ناوگانها و ملحقات گوناگون مربوط به آن، تنها «امواج نیرویی» بشمار می‌روند که از آن به منظور وارد آوردن ضربات هرچه بیشتر بر دشمن، استفاده می‌شود. در اینجا نبرد تنها در جبهه‌های پیوسته‌ای نیست که مناطق طرفین را از هم جدا می‌سازد بلکه میان تشکیلات نظامی - جهانی دوطرف است که هر یک، منطقه مربوط به خود را می‌پوشانند.

در دوران موشکی - هسته‌ای کنونی، آمادگی و تهیه مقدمات چنین نیرویی به اوج کمال خود رسیده است. اگر تاکنون نسبت میان نیروی انسانی طرفین نبرد و توان اقتصادی (بویژه صنعتی) آنان و مقدار آمادگی هر یک، نتیجه نبرد آن دو را مشخص می‌کرد و فرماندهی چنان جنگ‌هایی که با سلاحهای کلاسیک صورت می‌گیرند برای ایجاد «هماهنگی» میان نیروهای مزبور در بجهت نبرد، نیازمند عامل زمان بودند ولی امروزه هر طرف ناگزیر است از تمامی نیروهایی که در اختیار دارد، چنان سازمان نظامی هماهنگ و بهم پیوسته‌ای ایجاد کند که - در فاصله آغاز و پایان جنگ که زمان بسیار کوتاهی است - به طور خود کار عمل کرده، برترین نتایج را ببار آورد.

ژنرال «پی‌یر گالوا» در صفحه ۲۰ کتاب خود که پیشتر از آن نام برده شد، می‌گوید: «...می‌توان گفت قدرت ویرانگری که به میزان زیاد وابسته به عنصر زمان بود بر این عنصر چیرگی یافت. کوتاهی فوق‌العاده زمان درگیری، اثرات فوق‌العاده‌ای بر شرایط نبرد به جای می‌گذارد. از نخستین لحظه آغاز جنگ دیگر

نمی‌توان مسیر و نوع آن را تغییر داد چرا که دشوار است عناصر اضافی دیگری وارد صحنه کرد یا پیمانهای تازه‌ای منعقد نمود و یا به‌اسید غیرمنتظره ناشی از اختراع جدیدی که در اوضاع نبرد اثر گذارد، دل بست، چون زمان، بسیار محدود است...».

«میکاییل کلار» در مجله فرانسوی لوسوند دیپلماتیک (سپتامبر ۱۹۸۱) می‌نویسد: «پیشنهادهایی که ریگان و وزیر خارجه و جنگ او ارائه می‌دهند عبارت از آن است که: ایالات متحد در هر لحظه و در هر نقطه از کره خاکی، یا حتی در فضا، برای درهم کوبیدن انقلابات می‌تواند آتش جنگ را بیفروزد... مسلماً هنگامی این استراتژی می‌تواند «منافع حیاتی» امریکا را دربرگیرد که دارای تشکیلات نظامی تمام عیاری [در جهان] باشد...».

شبکه پایگاههای نظامی در جهان

پایگاههای نظامی امریکا در تمامی مناطق جهان سرمایه‌داری—اعم از عقب‌مانده و پیشرفته—پراکنده‌اند و در واقع استخوانبندی تشکیلات جهانی ارتش امریکا را تشکیل می‌دهند، چه، اینک وزارت جنگ چیزی در حدود دوهزار و پانصد پایگاه نظامی در بیش از سی کشور جهان دارد که سیصد و چهل مرکز آن از پایگاههای مهم بشمار می‌روند. در این پایگاهها نزدیک به یک چهارم از نیروهای مسلح امریکا، یعنی پانصد هزار سرباز از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی و حدود هزار و پانصد جنگنده و نزدیک به دویست و پنجاه ناو جنگی و تدارکاتی، با دوازده هزار کلاهک هسته‌ای وجود دارد. پراکندگی این پایگاههای نظامی در جهان را می‌توان این‌گونه تقسیم‌بندی کرد—با توجه به اینکه تنها به آنچه نشاندهنده نفوذ امریکا در جهان می‌شود بسنده کرده‌ایم:

الف— پایگاههای اقیانوس اطلس و شعبات آن

اول، بدیهی است که مهمترین پایگاه در شبکه جهانی پایگاههای امریکا در خاک ایالات متحد می‌باشد که ذخایر انسانی، اقتصادی و نظامی سرمایه‌داری جهانی در آن قرار دارد.

۱. بیلچیکو، نشریات نظامی امریکا، بخش مربوط به پایگاههای امپریالیستی.

پایگاههای موشکهای قاره‌پیما در این کشور در مناطق زیر وجود دارند:

— پایگاه «فرانسیس وارن افیوت» در نبراسکا در مراکز کشور؛

— پایگاه «فاندنبرگ» در کالیفرنیا در منتهی‌الیه غرب کشور، مشرف به

اقیانوس آرام؛

— پایگاه «آیلوروت» در دا کوتای جنوبی، ضلع شمالی نبراسکا؛

— پایگاه «ماوتن هوم» در آیداهو، در شمال غربی ایالات متحد؛

— پایگاه «فوریس» در کانزاس، ضلع جنوبی نبراسکا.

سه پایگاه اخیر طبق آنچه در کتاب ژنرال گالوا— که بحث خود در مورد

جنگ هسته‌ای را بدان استناد داده‌ایم— آمده است مجهز به سکوهای پرتاب

موشک «تیتان» می‌باشد که هم‌اکنون استفاده از آن به دلیل پیشرفته بودن سیستم

آن، تحت بررسی است.

علاوه بر پایگاههایی که بدانها اشاره رفت، باید از مناطق آزمایش هسته‌ای

در صحرای نوادا در منتهی‌الیه غرب این کشور یاد کرد، همچنین در لوس آنجلس،

کوههای «سانگروه دی کریستو» و در نیوسکزیکو، مراکزی برای مطالعات هسته‌ای

وجود دارد.

دیر زمانی است که کانادا به‌عنوان وابسته اقتصادی - استراتژیک - نظامی

ایالات متحد امریکا شناخته شده است، چه از ابتدای دهه پنجاه در این قرن،

انحصارات امریکایی به اقتصاد این کشور نفوذ کرده و به‌طور مؤثری در پروژه‌های

اقتصادی که حکومت فرصت‌طلب و مدعی سوسیالیسم وقت، ملی کرده بود، شرکت

کردند و از آن پس این کشور عملاً به‌صورت یکی از ایالت‌های کشور ایالات

متحد امریکا، درآمد.

«پنتاگون نزدیک به ۶۰ ایستگاه رادار— به‌عنوان نخستین هشدار دهنده— در

فاصله گرونلند و آلاسکا، مستقر ساخت. نیروی دریایی امریکا نیز مشغول تکمیل

تأسیسات هشدار الکترونیکی در دوسوی این کشور در اقیانوس آرام و اطلس

از طریق ناوها و هواپیماهای اکتشافی دور پرواز است. در فاصله ۱۰۰ کیلومتری

به‌سمت جنوب نیز هشدار دهنده جدیدی وجود دارد که آن را «خط کندی سیانه»

می‌نامند؛ هنگامی که به‌سوی جنوب پیش می‌رویم مشاهده می‌کنیم که سطح

زمین به‌طور کامل با ایستگاههای کنترل و رادار پوشیده شده است.

از دریاها نیز— چه شرق و چه غرب— پیوسته بوسیله ناو- رادارهای

«لیبرتی» و هواپیماهای اکتشافی الکتروماتیکی (لوکهد ای واکس)، بالونهای

ویژه نیروی دریایی امریکا و «برجهای تکزاس»— منظور برجهای حامل راداری

است که در عرض دریا و به‌سوازات برجهای نفتی در خلیج تکزاس قرار گرفته‌اند—

سراقت و کنترل می‌شود»^۱.

به تمامی اینها باید ساواژه‌های جاسوسی، هشداردهنده و کنترل کننده را نیز افزود. ژنرال گالوا در ادامه صحبت‌های خود می‌افزاید: «دهها آشیانه هواپیمایی همراه با دهها ذخیره موشک‌های زمین به هوا نیز وجود دارد، این دستگاه عظیم بوسیله دوست هزار سرباز از نیروهای مختلف ایالات متحد و کانادا اداره می‌شود که به دنبال حذف مرزهای دفاعی میان آنها تحت فرماندهی واحدی درآمده‌اند.

دوم، منطقه قطب شمال از دیدگاه نظامی، منطقه استراتژیک مهمی بشمار می‌رود، این منطقه برای فعالیت زیر دریایی‌های اتمی - در راه‌های آبی و زیرلایه‌هایی از یخ در دریای منجمد شمالی - و هواپیماهای استراتژیک هسته‌ای و موشک‌های هسته‌ای بایرد متوسط، مناسب است. این منطقه شامل دو جزیره ایسلند و «گروئنلند» دانمارک نیز می‌شود.

بزرگترین پایگاه در این جزایر پایگاه «پولی» است که امریکاییها در سالهای ۵۰- ۱۹۵۲ یک بندر مدرن و یک فرودگاه با باندی به طول بیش از سه کیلومتر به اضافه خوابگاهها، تعمیرگاهها و ذخایر سوخت در آن ایجاد کردند. در همان هنگام پنتاگون در جنوب شرقی این جزیره سه پایگاه دریایی «نر سارواک»، «گیریندال» و «سوندر سووم» و چندین پایگاه هوایی از جمله «بلووست ۱» و «بلووست ۸» و غیره تأسیس کرد. در سالهای بعد وزارت جنگ امریکا تلاشهای گسترده‌ای برای تأسیس پایگاههای عظیم هوایی در مناطق منجمد و وسیع شمال جزیره بعمل آورد و علاوه بر آن سرازیری برای دیده‌بانی و کنترل بوسیله رادارهای دوربرد ایجاد کرد.

روزنامه‌های امریکا از پایگاههایی که در منطقه منجمد شمالی تأسیس شده‌اند، سخن گفته و یادآور شدند که: در آن سوی لایه‌های یخ انبارهای صعب‌الوصول و مخازن و سولدهای برق، کارگاههای تعمیر و نیز پناهگاه برای هواپیماها، پادگان برای افراد نیروهای مسلح و مراکز چند طبقه فرماندهی تأسیس شده‌اند و بر روی یخها باندهایی اسفالت شده، برای فرود و پرواز بنا شده که سنگینترین هواپیماها از جمله بمب افکنهای (ب-۲) قادر به استفاده از آنند...»^۲.

در ایسلند نیز در نزدیکی پایتخت، پایگاه «کیولاویک» وجود دارد که از جمله بزرگترین پایگاههای استراتژیک امریکا است. علاوه بر این، پایگاه دریایی «هفالوزدو» و تعدادی تأسیسات اکتشافی - راداری دور برد، و یکسری کامل

۱. استراتژی عصر اتم، ص ۶۱

۲. بیلاچنکو، ص ۴۴-۴۳.

از نیروهای مسلح در شمال اقیانوس اطلس و مراکز کنترل زیر دریاییهای حامل موشکهای هسته‌ای و بمب‌افکنهای استراتژیک که به‌گشت‌زنی در دورترین نقاط شمالی اروپا می‌پردازند، نیز وجود دارد. روزنامه دانمارکی «نیوتید» در فوریه ۱۹۷۶ یادآور شده بود که پایگاه فوق‌الذکر «کیولویک» دارای ذخیره سلاحهای هسته‌ای است. مجله امریکایی «یونایتد استیتس نیوزاندورلدرپورت» نیز می‌نویسد: «ایسلند شبیه به‌چوب‌پنبه بزرگی است که با آن دهانه اقیانوس اطلس بسته می‌شود. پایگاهها و هواپیماهایی [که در این جزیره وجود دارند] به‌پتانگون این اسکان‌راسی دهند تا فعالیت‌های دریایی شوروی را بویژه زیر دریایی‌هایی را که از مناطق شمالی روسیه به‌سمت اقیانوس درحرکتند، زیر نظر بگیرد»^۱.

سوم، ایالات‌متحد پیش از بیست پایگاه عظیم در جزایر بریتانیا دارد، از جمله پایگاههای هوایی: دیزرفیلد، لپ‌کهنث، بنتووترز، ورویسکیم، ملان-هول، اریفورد، لیورپول، بیرمنگام، مانچستر را می‌توان نام برد. در اینجا باید پایگاه اسکاتلندی «کابویوس» در خلیج «هولی - لوخ» متعلق به زیر دریاییها را نیز افزود. در پایگاههای هوایی امریکا در بریتانیا ارتش سوم نیروی هوایی امریکا که شامل حدود سیصد جنگنده و بیست هزار نظامی است، حضور دارد^۲.

چهارم، پیمان آتلانتیک شمالی با پایگاههای خود در دو کشور اسکاتلند، یناوی، نروژ و دانمارک و نیز هلند و بلژیک در اروپای شمالی جای خالی پایگاههای امریکا به دور جهان را پر می‌کند. پایگاههای زیر در شمالی‌ترین نقطه نروژ تا جنوب بلژیک پراکنده‌اند:

پایگاه دریایی و هوایی ناتودر «تروسو» در شمال نروژ، تروندهایم و برگن و پایگاه دریایی و هوایی همراه با مرکز فرماندهی ناتودر نزدیکی اسلو؛ پایگاه دریایی در کوینهاک و پایگاه هوایی «اودنسی» در شمال دانمارک؛ پایگاه دریایی و هوایی «روتروdam»؛

پایگاه هوایی، به همراه مرکز فرماندهی پیمان ناتودر «بروکسل».

پنجم، بزرگترین منطقه تجمع نیروها و پایگاههای امریکا در اروپای غربی، خاک آلمان باختری است. در این کشور بخش عمده نیروهای زمینی وابسته به بخش اروپایی فرماندهی نیروهای مسلح امریکا مستقر هستند که شامل: دو سپاه پنجم و هفتم پیاده می‌باشد که در مجموع دارای بیش از صد و هشتاد هزار سرباز و افسر بوده و دارای تانکها و واحدهای موشکی - هسته‌ای هستند.

۱. همان مدرک، ص ۳۳-۲۹.

۲. همان مدرک.

همچنان که ارتش هفدهم هوایی امریکا وابسته به فرماندهی تاکتیکی نیروهای هوایی امریکا نیز در این کشور حضور دارد که بیش از دوست و شصت هواپیمای جنگنده و سی و دو هزار افسر و سرباز را شامل می‌شود. در آلمان باختری برخی واحدها و تأسیسات دریایی امریکایی (ترین هافن) نیز وجود دارد. تعداد کل نیروهای مسلح امریکا که در خاک آلمان باختری مستقرند، به ۲۲۰ هزار سرباز و افسر می‌رسد. این نیروها بر شبکه وسیعی از پایگاهها و تأسیسات امریکایی در خاک این کشور تکیه دارند که علاوه بر مراکز ارتباطی، پارکهای موتوری، پایگاههای ارتباطی، انبارهای ذخایر، میدانهای تیر، مراکز اطلاعاتی و ایستگاههای ارتباط رادیو تکنیکی و همداردهی شامل بیش از دوست مرکز عمده نظامی می‌شود.

مهمترین و بزرگترین گلوگاه استراتژیک موسوم به «ثلث استراتژیک» در زمینهای دو اقلیم راین شمالی - وستفالی و راینلند در والتس قرار گرفته است. این گلوگاه از سه پایگاه: «پیتبورگ»، «هان» و «سنگدالم» تشکیل شده است. روزنامه‌های امریکا یادآور شدند که این پایگاهها مجهز به فرودگاههایی با پیشرفته‌ترین تکنولوژی هستند که قادرند هواپیماهای حمل و نقل سنگین از نوع (س ه گالاکسی) را در خود جای دهند، همچنین شامل تعمیرگاهها، انبارهای عظیم سوختی و ذخایر گوناگون - من جمله ذخایر هسته‌ای - و دیگر احتیاجات است. پیوند این پایگاهها با یکدیگر و همه آنها با فرماندهیهای بالاتر خود از طریق خطوط ارتباطی دوجانبه‌ای تأمین می‌شود. برای تأمین نیازهای سوختی این پایگاهها، خطوط نفتی ضخیمی به آنها کشیده شده است. روزنامه‌ها اشاره کرده‌اند که در سالهای اخیر توان رزمی و ایجاد تأسیسات جدید، در این پایگاهها روبه‌فزونگی گذارده و کار ترمیم و نوسازی تعدادی از فرودگاههای آنها پایان پذیرفته است و نیز کارگاهها، انبارهای ذخایر، پادگانها، منازل مسکونی سربازان و افسران و خوابگاههای جدیدی در زیر زمین تأسیس شده‌اند.

از دیگر تأسیسات مهم، پایگاه پراهمیت «باد - تولتس» را باید نام برد. این پایگاه، عمده‌ترین مرکز نیروهای ویژه - نیروهای مزدوری که از بی‌سروپاها و خائنان کشورها و نیز از وابستگان به سازمان C.I.A. تشکیل یافته - در اروپاست. افراد این نیروها یونیفرم خاصی برتن دارند که به کلاهسبها موسومند و لزوماً شهروند امریکا نیستند. به این افراد آموزشهای ویژه‌ای در جهت انجام عملیات تجاوز کارانه علیه کشورهای جهان سوم و بویژه علیه کشورهای عربی داده می‌شود. خبرنگار نیوزویک، به دنبال بازدید از این نیروها، در گزارش خود می‌نویسد: «در برخی از این واحدها، فرمانهای صادره نه به زبان انگلیسی بلکه به زبان

همان کشوری صادر می‌شوند که قرار است علیه آن عملیاتی صورت گیرد». ششم، می‌توان پایگاه‌های امریکایی در ضلع جنوبی پیمان ناتورا به چهار مجموعه تقسیم کرد:

۱. **مجموعه پایگاه‌های اسپانیولی:** مشهورترین پایگاه در این مجموعه پایگاه «روتا» در مجاورت بندر «کادیز» در جنوب غربی شبه جزیره «ایبری» [مجموع دو کشور اسپانیا و پرتغال] است. مجله «نیوتایمز» می‌نویسد: این پایگاه بر اساس تجربیاتی به منظور به کار گرفتن پایگاه‌های بزرگ در خارج، ایجاد شده است. در واقع این پایگاه مجتمع عظیمی است که ۲،۴۰۰ هکتار مساحت دارد و قادر به پذیرش هر نوع ناو جنگی از جمله ناوهای هواپیمابر، زیردریایی‌های هسته‌ای و ناوهای غول‌پیکر حامل سوخت بوده و دارای جایگاه‌های وسیعی برای ذخیره سلاح‌های شوشکی - هسته‌ای است. در این پایگاه امکانات رفاهی برای اقامت تعداد زیادی از سربازان فراهم شده است، این پایگاه در عین حال پایگاهی هوایی است، چه، باند فرود و پروازی به طول سه کیلومتر در آن ایجاد شده است، و همچنین دارای کارگاه‌های تعمیر و انبارهای آذوقه - بعضاً در زیرزمین - و پادگانها و مراکز ارتباطی است.

همچنین در اسپانیا تعدادی دیگر از پایگاه‌های بزرگ از جمله پایگاه «توریکون دیس کوردیس» در نزدیکی مادرید و پایگاه «ساراگوسه» و پایگاه ذخیره در «سورون دلاقرنیترا» در نزدیکی «اشبیلیه» وجود دارد. تمامی پایگاه‌های امریکا در اسپانیا از طریق شبکه گسترده‌ای از لوله‌های نفتی و خطوط راداری هشداردهنده، ارتباطی و فرماندهی، بایکدیگر و با بنادر و اسکله‌ها ارتباط دارند و در آنها مقادیر فراوانی ذخایر عادی، هسته‌ای، سوختی و دیگر نیازهای نظامی یافت می‌شود و بیش از چندین هزار سرباز و افسر از نیروهای مسلح امریکا در آنها جای گرفته‌اند.

۲. **مجموعه پایگاه‌های ایتالیایی:** مشهورترین پایگاه در این مجموعه در نزدیکی «سینگونیا» در «صقلیه» در نزدیکی تنگه «مسینا» است. این پایگاه‌های هوایی مطابق با جدیدترین طرح‌ها ساخته شده‌اند. مجله «یونایتد استیتس نیوزاند وورلدریپورت» می‌نویسد: نخستین هدف از تأسیس این پایگاه، تأمین کنترل دائم زیر دریاییا برپهنای دریای مدیترانه و نیز برقراری پیوند نیروی هوایی امریکا با منطقه خاورمیانه است. این پایگاه رل مهمی در ایجاد پل هوایی ایفاسی کرد که در جریان جنگ چهارم اعراب و اسرائیل (۱۹۷۳) به منظور ارسال هزاران

تن سازوبرگ نظامی برای اسرائیل از جمله تانک، هواپیما، موشک، بمب و خمپاره و مواد غذایی که از امریکا و پرفراز اقیانوس اطلس به اسرائیل می‌رسید، بنا شده بود. هواپیماهای سوخت‌رسانی از این پایگاه به پرواز درمی‌آمدند تا به هواپیماهای حمل و نقل امریکایی در فضا سوخت برسانند همچنان که در آن جنگ هواپیماهای ردیاب راداری به پرواز در می‌آمدند تا از مسیر پیل‌هوایی نامبرده تا مناطق نزدیک به جبهه‌های نبرد، کسب خبر کنند. به علاوه در آن هنگام هواپیماهایی از این پایگاه پرواز می‌کردند که مأموریتشان ایجاد پارازیت‌های الکترونی علیه هواپیماهای اعراب و کشتیهای تجاری که قصد سفر به بنادر مصر و سوریه را داشتند، بود.

پایگاههای ایتالیایی مهمترین نقش را در مجموعه پایگاههای نظامی در دریای مدیترانه، ایفا می‌کنند. در مناطق ساحلی و درون مرزهای ایتالیا، دهها پایگاه و تأسیسات عظیم ایجاد شده که مستقیماً به پنتاگون وابسته‌اند، که از آن جمله، تنها به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

— مجموعه‌های بزرگ هوایی — فرودگاهها، پناهگاههای مختلف، کارگاههای —

تعمیر و غیره — در شمال ایتالیا نزدیک «ورونا» و «بچنتا»؛

— پایگاه دریایی در «ناپل» و مرکز فرماندهی ناتو و مرکز فرماندهی

ناوگان ششم؛

— پایگاه دریایی در «لیوورنو»؛

— پایگاه دریایی در جزیره «ماولینا» در نزدیکی ساحل شمالی «سردینیا».

مجله ایتالیایی «تمبو» در مارس ۱۹۷۶ خبری درباره استفاده فرماندهان

نظامی از پایگاه «سالتودی کویرا» در جنوب شرقی «سردینیا» درج کرده و

یادآور شده بود که این پایگاه یکی از مهمترین مراکز پیمان ناتو بشمار می‌رود

و در آن موشک‌هایی مورد آزمایش قرار می‌گیرد که ساخت ایتالیا نیستند و نگهبانی

آن را صدها سرباز برعهده دارند و پیشرفته‌ترین شبکه‌های هشدار دهنده احاطه‌اش

کرده‌اند؛ و پر از افراد امریکایی و آلمان غربی است که مطلقاً با اهالی محل

«دمخور» نمی‌شوند، آنها با هواپیماها و هلیکوپترهای نظامی به پایگاه رفت‌وآمد

می‌کنند و بدین منظور فرودگاهی مخفی و ویژه در نزدیکی آن فراهم شده‌است.

طبق نوشته این مجله، نشانه‌ها و شواهد موثقی در چندین ایستگاه لرزه‌نگاری

و مراکز ژئوفیزیک به ثبت رسیده که نشان می‌دهد در این منطقه که وابسته به

پیمان ناتوست در ژانویه ۱۹۷۶ زمین لرزه‌ای صوت گرفته که بدون کمترین

تردید می‌توان گفت ناشی از انفجار هسته‌ای زیرزمینی بوده است.^۱

۳. **مجموعه پایگاه‌های یونانی:** ایالات متحد چهار پایگاه عظیم در یونان دارد که از آن جمله پایگاهی هوایی در نزدیکی «آتن» و پایگاهی برای ناوگان ششم در «بیره»، قرار دارند. در «کرت» نیز میدانی برای آموزش موشکها و تانکهای متعلق به ناتو وجود دارد. تأسیسات با اهمیت دیگری نیز در خشکی و جزایر یونانی از قبیل «رودز» و «لیمبوس» وجود دارند. در اینجا باید از پایگاه هوایی قبرس نزدیکی [خلیج] «فماگوستا» نام برد که متعلق به انگلیسهاست ولی امریکاییها از آن بهره‌برداری می‌کنند.

۴. **مجموعه پایگاه‌های ترکیه‌ای:** مجله «یونایتد استیتس نیوزاندورلد» - ریپورت «سوزخ» ۱۱ اوت ۱۹۷۵ می‌نویسد: «تأسیسات نظامی امریکادر ترکیه، در شبکه وسیعی از ایستگاههای راداری و سراز رادیوتکنیکی - اطلاعاتی گنجانده شده‌اند که شب و روز مراقب اتحاد شوروی هستند و مترصدند که تمام گفتگوهای را که میان [برجهای مراقب و مخابرات] هواپیماها و واحدهای نظامی شوروی در ارمنستان شوروی، دریای سیاه و شرق دریای مدیترانه ردویدل می‌شود، ضبط کنند، و همچنین مراقب ماهواره‌های شوروی بوده و هر پرتاب موشک و سایر عملیات فضایی را ثبت می‌کنند. این جاسوسیهای محرمانه و سری که بودجه آن به شکل سخاوتمندانه‌ای تأمین می‌شود به پنتاگون این امکان را می‌دهند که به اطلاعات بسیار مهمی دست یابد؛ اگر این امکان نصیبش نشود متحمل زیانهای می‌گردد که مشکل بتوان عواقب آنها را تصور کرد».

در خاک ترکیه علاوه بر کارمندان سیویل امریکایی با تخصصهای گوناگون که مهمترینشان جاسوسی و خرابکاری است، حدود هفت هزار سرباز و افسر امریکایی حضور دارند.

در این کشور آشیانه‌های زیرزمینی و مراکز اطلاعاتی متعددی نیز وجود دارد؛ تعداد پایگاههای امریکایی در ترکیه به بیش از بیست و پنج پایگاه بالغ می‌شود که از جمله پایگاههای زیر را می‌توان نام برد:

- پایگاههای ارتباطی بی‌سیم، راداری، پارازیت‌های الکترونی در «اینچرلک» در نزدیکی اسکندرون، و «قره‌سورسل» نزدیکی استانبول و «سمسون» و «طرابوزان» مشرف به دریای سیاه و «سینوبا» و «دیاربکر» و «باندرسا» و «قطوان» در شرق؛ پایگاههای دریایی پیمان آتلانتیک در «اسکندرون» و «ادنه» و «ازنیر»؛ پایگاههای هوایی امریکا در دو استان «اسکندرون» و «ادنه»^۲.

۱. همان مدرک.

۲. همان مدرک، ص ۶۷-۵۱.

هفتم، پایگاههای امریکا در غرب اقیانوس اطلس که از خاک ایالات متحد امریکا تا امریکای لاتین گسترده شده است و مهمترین تجمع این پایگاهها در دریای کارائیب قرار دارد:

مقر اصلی نیروهای امریکایی در کارائیب تا جنوب فلوریدا در «کی وست» قرار دارد که خود جزیره کوچکی در جنوب غربی شبه جزیره فلوریدا است. — پایگاه «کایوهویسو» مخصوص هواپیماهای جنگنده، هلیکوپترها و زیر دریاییهاست که پنج هزار سرباز در آن خدمت می کنند و در شمال کوبا واقع است؛

— پایگاه مشهور «گوانتانامو» در کوبا که پنج هزار نفر در آن خدمت می کنند و یک فرودگاه جدید، دو فرودگاه برای نیروی دریایی و هوایی و انبارهای ذخیره و سوخت و سکوها و پرتاب موشک در آن وجود دارد؛

— پایگاههای منطقه کانال «پاناما» شامل مجموعه ای است که نه هزار و سیصد سرباز به حراست و خدمت در آن مشغول هستند. این مجموعه متضمن بیست و یک مرکز نظامی از جمله دو پایگاه هوایی، پنج پایگاه دریایی و هفت پایگاه متعلق به نیروهای زمینی است، همچنان که قرارگاه فرماندهی بخش جنوبی نیروهای زمینی ایالات متحد امریکا و لشکر هفتم از واحد دخالت ویژه — این واحد قبلاً در آلمان غربی بود و از آنجا به این مکان منتقل شد و سربازانی با تابعیتهای مختلف، افراد آن را تشکیل می دهند — و نیز «دانشکده نظامی» که نظامیان جهان سوم برای فراگیری آموزشهای خرابکارانه کودتایی و جاسوسی و تجاوزگرانه به آن وارد می شوند، در این منطقه واقع است؛

مجموعه پایگاههای «پورتوریکو» که در آن سه پایگاه دریایی: «سانخوان»، «روزولت» و «رودز» و دو پایگاه هوایی: «راسی» و «آگوادیلیا» و دو قرارگاه مستحکم «بروک» و «پیوکانان» در آن واقع است که دارای هفت هزار سرباز و انبارهای ذخایر عادی و هسته ای است؛

پایگاه جزایر «فرگین» متعلق به زیر دریاییها و هواپیماها در شرق «پورتوریکو»؛

پایگاههای «ترینیداد» و «تویاگو» برای فعالیتهای دریایی در برابر ساحل «ونزوئلا».

هشتم، یک سلسله پایگاههای دیگری نیز وجود دارند که پلهای هوایی که از امریکا به مقصد منطقه خاورمیانه عربی کشیده شده اند از آنها بهره می گیرند. این مسیر پایگاههای زیر را شامل می شود:

— مجمع الجزایر «برمودا»؛

— مجمع الجزایر «آزور»؛
— پایگاههای پرتغال و اسپانیا.

ب- پایگاههای اقیانوس هند و متفرعات آن

نخست، پایگاههای منطقه دریای سرخ در کشورهای اسرائیل، مصر، اردن، سعودی و سودان:

همانطور که گفتیم اسرائیل همچون بازوی اسرکاست که به سوی منطقه عربی ما دراز شده و نسبت به پایگاههای اسپریالیستی در دریای مدیترانه، اروپا و اقیانوس هند، جنبه مرکزیت دارد، چه، تمامی نیروهای انسانی، نظامی، فرودگاهها، تأسیسات و بنادر، انبارها و کارگاهها و به طور کلی همه چیز این رژیم [اسرائیل] در هر لحظه و در هر شرایطی، کاملاً در تصرف ایالات متحد امریکاست. امروزه امریکا تلاش دارد که پایگاه بسیار عظیمی در این کشور ایجاد کند که به دریای سرخ راه داشته باشد. تا کنون دو فرودگاه در سینا و دوباند دیگر در «النقب» و بندر «ایله» از آن ساخته شده است.

آخرین رقم هزینه‌ای که به منظور تکمیل تجهیزات فرودگاهی «النقب» از سوی امریکا به اسرائیل پرداخت شده، سه و نیم میلیارد دلار بوده است. از جمله اهداف امریکا این است که بندر «عقبه» و فرودگاهها و دیگر تأسیسات نظامی آن را به مجتمع ناسبرده پیوند دهد. ما معتقدیم که خلیج «عقبه» با این تأسیساتی که دارد یکی از مهمترین گلوگاههای استراتژیک امریکا در جهان بشمار می‌رود. داستان غم‌انگیز این خلیج از روزی آغاز شد که امریکا به دنبال تجاوز ۱۹۵۶ علیه مصر، با بازگرداندن تنگه‌های «شرم‌الشیخ» در برابر کشنیرانی اسرائیل، توطئه کثیف خود را به مرحله اجرا درآورد.

امریکا درصدد است پایگاه «رأس نباس» مصر را به یکی از پایگاههای خود در دریای سرخ تبدیل کند. مجلس سنای امریکا پیشنهاد دولت ریگان مبنی بر اختصاص صدوشش میلیون دلار به این پروژه را تصویب کرد. «بول لاکسالت» رئیس کمیته نظامی مجلس سنا می‌گوید: «چنانچه پیشنهاد اختصاص بودجه برای پایگاه «رأس نباس» رد شود به مفهوم این است که ما به این بخش از جهان پاسخ (نه) داده‌ایم و این بدترین چیزی است که می‌توانیم بخواهیم». و این درحالی است که رژیم حاکم بر مصر تمام فرودگاههای کشور و بنادر

آن را برای کمک به فعالیتهای تجاوزگرانه امریکا در منطقه، در اختیار آن گذارده است، نیروهای امریکا در سال گذشته (۱۹۸۱) به انجام دو مانور بزرگ مربوط به «نیروی واکنش سریع» در خاک مصر دست زدند. دومین آن، مانوری بود که بر آن نام «ستاره درخشان» گذارده شده بود، این مانور بلافاصله پس از به قتل رسیدن سادات و به منظور تحکیم رژیم مزدور جدید آن کشور و ایجاد وحشت در میان مردم صورت گرفت.

در حال حاضر سودان ایجاد پایگاههای زیر را به ایالات متحد پیشنهاد کرده است:

— پایگاهی در «سواکین» مشرف به دریای سرخ و پایگاه دیگری در «گاستر» نزدیکی مرزهای چاد و پایگاهی در «نجول» در شمال خارطوم. همه قرائن حاکی از آن است که آن کشور [امریکا] بزودی این پایگاهها را خواهد ساخت و نمیری همچون سادات پذیرفته است که تمامی اسکانات کشورش در اختیار نیروهای متجاوز و استعمارگر امریکایی، قرار گیرد؛

همانطور که پیش از این درباره نفوذ استعمارگران امریکایی در مسائل امنیتی عربستان سعودی بحث کردیم، می توان گفت که این استعمارگران در حال حاضر و در آینده نیز از تأسیسات نظامی در این کشور عربی بهره برداری خواهند کرد؛ مثلاً از اسکله «جده» بر روی دریای سرخ که سابقاً نیز دانستیم، مبلغ ۱/۶ میلیارد دلار برای عربستان سعودی هزینه داشت و یا بهره برداری از پایگاه هوایی «تبوك». مسئولین امریکایی چندین بار اعلام کرده اند که هواپیماهای جاسوسی-الکترونیکی «ای واکس» که سعودیها خریداری کرده اند به نفع نیروهای امریکا، به کار گرفته خواهد شد و در واقع هم این هواپیماها تنها برای مراقبت از نقل و انتقال نیروهای شوروی مفید هستند و اطلاعات بدست آمده نیز تنها برای نیرویی به حجم نیروهای امریکایی قابل استفاده است، چرا که ما برای کنترل اقدامات نیروهای اسرائیلی که مستقیماً در معرض دید ما قرار دارند، نیازی به این وسایل نداریم؛

پایگاه «جیبوتی» متعلق به فرانسه که در اختیار امریکاست؛

پایگاه «باربرا» که مشرف بر خلیج عدن بوده و رژیم «زیادبازی» در سومالی آن را تقدیم استعمارگران امریکایی کرده است؛

۱. آنچه راجع به سودان آمده مربوط به دودان نمیری است و سیاست ژنرال سوارالذهب که به دنبال یک کودتا زمام قدرت را در دست گرفت، لزوماً ادامه مو به موی آن نیست. —

پایگاه «مومباسا» در کنیا، مشرف به اقیانوس هند و در نزدیکی خلیج عدن. اسرائیل به عنوان وابسته امریکا به انضمام رژیم مخلوع شاه، همراه با گروه کشورهای مرتجع عرب و فرصت طلبهای نیرنگ بازبجویی از عهده انجام اهداف امریکا برمی آمدند، لیکن به دنبال سرنگونی شاه و از هم پاشیدن آن دارودسته محلی، دیدگاه استعمارگران نسبت به مسائل دگرگون شد. آنها ترجیح دادند که طبق معمول وارد کارزار شوند تا در کنار وابسته اسرائیلی خویش— که تنها برای تجاوز و حمله به کشورهایی که تن به اطاعتشان نمی دهند مناسب است— و بالاخره به همراه بازماندگان ارتجاع و فرصت طلبها— هدفهایی که به هر حال امید خود را از دست داده بودند— «جای خالی» تجاوزگر را در این نقطه پر کنند^۱.

به همین دلیل است، که می بینیم دست به چنین فعالیت داسنه داری در منطقه اقیانوس هند، زده و میلیاردها دلار برای ایجاد شبکه ای از نیروهای متجاوز که خود آشکارا رهبری آن را برعهده داشته باشد، خرج می کند، کما اینکه به صراحت اعلام می کند که اسرائیل و کشورهای مرتجع جزء لایتجزای امپریالیسم جهانی اویند و چنین اظهاراتی با امضای قراردادهای نظامی و استراتژیک، جنبه عملی به خود می گیرند و بدین ترتیب مدعیند که مسئله، با تمام جزئیاتی که دارد به آنها مربوط شده و همان میدان تنگ سانوری که مزدوران و سرسپرد گانش به ابتکار خود در آن اقداماتی بعمل می آوردند نیز، از ایشان دریغ می شود.

دوم، منطقه دریای عمان و خلیج [فارس]، که شامل پایگاههایی است که استعمارگران انگلیسی از قدیم، آنها را به جای گذارده و اینکه، استعمارگران امریکایی از آنها بهره برداری می کنند و شامل:

- پایگاه هوایی در کویت؛
 - پایگاه دریایی در «سماه» بحرین؛
 - پایگاه دریایی در «دوحه» قطر؛
 - پایگاه دریایی و هوایی در «شارجه» رأس الخیمه؛
 - پایگاه هوایی «ظهران» که امریکاییها به دنبال کسب امتیاز نفت در این اسارت، ایجادش کردند و بعدها آن را تکمیل ساختند.
- امریکاییها به دنبال سقوط شاه و فراخواندن نیروهای ایران از عمان، این کشور را تبدیل به میدانی برای مانورهای نیروهای مختلف، بویژه نیروی دریایی

۱. آنچه پیش آمد، بسی شباهت به حالت پس از شکست استعمارگران فرانسوی و انگلیسی به دنبال تجاوز به مصر در ۱۹۵۶، نیست که آیزنهاور صحبت از جای خالی کرد که امریکا باید آن را در منطقه عربی، پر سازد.

خود کردند و هم اینک تعدادی از کشتیهای آنها در آبهای دریای عمان به طور دائم به گشت زنی می پردازند و مقامات عمانی همه گونه تسهیلاتی برای آنها فراهم می آورند. «نیروهای واکنش سریع» در فوریه ۱۹۸۱ اقدام به مانور بزرگی کردند که در آن نیروهای زمینی - دریایی به منظور آزمایش تجهیزات و وسایل «زمین - آبی» نیز شرکت داشتند و عملیات فرود بر سواحل متروکه که این کشور را به اجرا در آوردند.

مطبوعات غربی اخیراً اعلام کردند که پاکستان در برابر دریافت کمکهای نظامی امریکا موافقت پنهانی خود را با اعطای امتیازاتی به پنتاگون در منطقه «گودار» - مشرف به دریای عمان در نزدیکی مرزهای ایران - اعلام کرده است. سوم، مجموعه پایگاههای افریقای جنوبی که دو پایگاه دریایی در «دریان» و «سایمستون» از آن جمله اند. لازم به یادآوری است که سرزمین این کشور مانند اسرائیل با تمام تأسیسات و تسهیلاتی که دارد، به مثابه بازوی امریکا در منطقه معادن گرانبهایی همچون، اورانیوم، مس، طلا، الماس و غیره است با علم به اینکه اسرائیل به همراه افریقای جنوبی و استرالیا تشکیل مثلث استراتژیک عظیمی را در قلب جهان قدیمی که محدود به شرق افریقا، جنوب آسیا و غرب استرالیا است - جهانی که همیشه استعمارگران خواب ثروتهای افسانه ای آن را دیده اند - تشکیل می دهند.

چهارم، پایگاههای جزایر و مجمع الجزایر اقیانوس که از بازمانده های استعمارگران قدیمی است و امریکاییها تمام امکانات و تسهیلات مورد نیاز خود را در آنها می یابند و شامل موارد زیر هستند:

پایگاههای دریایی «دبره»، «سیشل» و «مالدیو» متعلق به بریتانیا.

پایگاه دریایی «دیه گوسواریز» از ماداگاسکار و پایگاه سوخت رسانی به زیر دریاییها در «رنیثون»؛ دو پایگاه فوق فرانسوی هستند.

پایگاه دریایی جزایر «کوکس» که متعلق به استرالیا است.

پنجم، پایگاه «دیه گوگاریسیا» که در اصل جزو داراییهای بریتانیا بوده و ایالات متحد پیش از ده میلیارد دلار خرج آن کرده است، پایگاهی دریایی، زمینی و هوایی است. در این پایگاه ذخایر و ابزارهای هر نوع اسلحه، تعمیرگاهها، پناهگاههای اتمی و سکوهای پرتاب موشکهای قاره پیما وجود دارد. از ۱۹۷۱ کار آن آغاز شده و همواره بودجه های نظامی امریکا شامل میلیاردها دلار برای توسعه بخشیدن و تجهیز هر چه بیشتر آن، اختصاص می یابد. این پایگاه از جمله بزرگترین پایگاههای امریکا در جهان بوده و در میانه های اقیانوس هند، قسمت جنوبی سریلانکا قرار دارد (در اواخر سال گذشته پنتاگون مقرر داشت

که آن را به عنوان قرارگاهی برای فرماندهی نیروهای تازه‌ای که در اقیانوس هند در نظر گرفته، قرار دهد).

ششم، پایگاه مشهور «سنگاپور» که پایگاهی بریتانیایی است ولی هرگونه تسهیلاتی برای نیروهای امریکایی فراهم می‌آورد.

هفتم، پایگاههای استرالیا مشرف بر اقیانوس هند که از جمله پایگاه دریایی «کولبورن» و پایگاه مراقبتی - الکترونیکی «نورث کیپ» را باید نام برد. پیش از این گفتیم که این کشور همچون تمامی مستعمرات دیگر، یکی از پایگاههای سهم اسپریالیسم در جهان است، لذا تمامی تأسیسات آن در اختیار نظام سرمایه‌داری انحصاری جهانی قرار دارد.

ج- پایگاههای اقیانوس آرام و متفرعات آن

مجله «یونایتد استیتس نیوز اند وورلد ریپورت» در ۲۲ دسامبر ۱۹۷۵، متن سخنرانی «جرالد فورد» رئیس‌جمهور وقت امریکا در مرکز دانشگاهی «هنولولو» پایتخت جزایر هاوایی که در پایان سفر به چین، اندونزی و فیلیپین ایراد کرده بود، به چاپ رساند که خلاصه‌اش چنین است: «ایالات متحده خود را مسئول اوضاع در تمامی حوزه اقیانوس آرام می‌داند [اگر این یانکی سخنگوی استعمار در «دیده‌گو» گارسیا» بود لابد می‌گفت کشورش مسئول اوضاع تمامی دنیا است - مؤلف] لذا ایالات متحده تمامی تلاش خود را بکار خواهد برد تا پیمانهای نظامی و توافقهای محلی را که به‌اضافه رسانده یا در انعقاد آنها نقش داشته تقویت و حمایت کند و نیروهای مسلح عظیمی را در اقیانوس آرام و جنوب شرق آسیا و خاور دور نگهداری خواهد کرد و در جهت تکامل بخشیدن به سازمان تشکیلات خود [سازماندهی پایگاههای نظامی - مؤلف] و تأمین توان رزمی آنها کوشش خواهد کرد».

اینک نگاهی نیز به شبکه پایگاههای امریکا در این پهنه می‌اندازیم:

۱. شبکه‌ای از روابط میان ایالات متحده امریکا و کشورهای امریکای لاتین وجود دارد که این کشورها را با پیوندهای اقتصادی - سیاسی و نظامی با استعمارگران بزرگ مرتبط می‌سازد. این شبکه در طول بیش از یک قرن - یعنی از همان هنگام که انحصارات امریکایی پا گرفتند و شکل نوین استعمار در این قاره را تجربه کردند و پس از آن و به دنبال جنگ جهانی دوم این تجربه را به تمامی جهان عمومیت بخشیدند - مراحل تکاملی خود را طی کرد.

در ۱۹۴۷ در «ریودوژانیرو»، پیمان «دفاع مشترک از نیم کره غربی» به

امضای رسید که براساس آن، «سازمان کشورهای امریکایی» شکل گرفت. قراردادهای دو جانبه دیگری نیز میان ایالات متحد امریکا و اغلب کشورهای امریکای لاتین وجود دارد. این توافقنامه‌ها به عنوان مثال حکایت از لزوم صدور مواد استراتژیک به ایالات متحد و ایجاد پایگاهها و تأسیسات نظامی و تسهیلاتی برای نیروهای نظامی امریکای شمالی، دارد؛ از سوی دیگر پیمان نامبرده «دفاع مشترک از نیم کره غربی» نه تنها خاک امریکا بلکه جزایر اقیانوس آرام و اطلس و نیز دریا و سرزمینهای قطب شمال و جنوب را هم در پوشش خود دارد.

پیشتر نیز مناطقی از قاره امریکا را که ایالات متحد مهمترین پایگاههای مشرف به اقیانوس آرام خود را در آنجا قرار داده بود، به اتفاق هم سرور کردیم اما پایگاههایی که بر اقیانوس هند مشرف هستند از تنگه «سازلان» در جنوبی ترین نقطه قاره تا تنگه «بهرنگ» در شمالی ترین نقطه آن، پراکنده اند. پایگاه «فالکلند» که بر جزیره‌ای متعلق به بریتانیا در اقیانوس اطلس، نزدیکی تنگه «سازلان» قرار دارد و می توان آن را پایگاهی مشترک میان اقیانوس آرام و اطلس دانست.

به دنبال توطئه علیه حکومت ملی پرزیدنت «سالوادور آلنده»، پایگاههای نظامی در شیلی بویژه پایگاه سهم دریایی آن، «فالباریسو» — که حرکت کودتا علیه حکومت ملی مذکور در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ از آنجا آغاز شد — همگی در اختیار پنتاگون قرار گرفتند، تا هر لحظه که بخواهد از آنها استفاده کند. ایالات متحد بودجه‌های هنگفتی برای حمایت از رژیم نظامی در این کشور و تقویت تأسیسات نظامی در آن، صرف می کند، همانطور که می دانیم شیلی تقریباً تمام ساحل غربی امریکای جنوبی را پوشانده است و در واقع نیز، نمای این قاره در اقیانوس آرام بشمار می رود، برای همین است که این کشور در سازمان جهانی — نظامی ایالات متحد امریکا اهمیت بسزایی داشته و این کشور استعماری نهایت سعی خود را بعمل می آورد تا آن را به زنجیره‌های پیمان «دفاع مشترک از نیم کره غربی» یاد شده، پیوند دهد و به این منظور با هر حکومت ملی — مانند حکومت آلنده — که در پی گسستن این زنجیر باشد به مخالفت خواهد پرداخت.

— فرودگاه «التور» بولیویایی که در آن هواپیماهای جنگنده و هلیکوپترهای ایالات متحد امریکا وجود دارند! بولیوی فاقد ساحل در اقیانوس آرام است ولی فاصله‌ای هم با آن ندارد؛

پایگاه و تأسیسات نظامی در اکوادور.

امریکای مرکزی با توجه به وسایل مدرن نظامی، از نقطه نظر عملی حائلی میان بخش شمالی و جنوبی این قاره بشمار می رود و سرزمین آن را می توان مرز مشترک دو اقیانوس اطلس و آرام شمرد. در بالا از مهمترین پایگاههای این منطقه یعنی پایگاههایی که در پاناما وجود دارد، یاد کردیم. در اینجا از پایگاههای خرابکاری که پنتاگون به وجودشان آورده نام می بریم که از جمله می توان اردوگاه بازداشتی بزرگ گواتمالا را که زیر نظر نیروهای مشترک امریکایی است، ذکر کرد:

پایگاههایی در هر یک از کشورهای ایالات متحد امریکا، کانادا و آلاسکا که پیش از این به مهمترین آنها اشاره کرده ایم.

۲. مجموعه پایگاههای امریکایی در محدوده کره جنوبی تا فیلیپین: نخست، سرزمین کره جنوبی سر پیل مهمی برای نیروهای امریکایی در شرقی ترین بخش آسیا بشمار می رود. پنتاگون در کنار مراکز متعدد نظامی، پیش از چهل پایگاه در این کشور دارد. در کره جنوبی، ارتش هشتم امریکا همراه با تعدادی واحدهای موشکی و هوایی و مراکز جاسوسی و خرابکاری و استراق سم الکترونیکی و دیگر ابزارهای الکترونیک جنگی، وجود دارد. مهمترین پایگاهها عبارتند:

— مجموعه پایگاههای هوایی نزدیکی شهرهای «تاگو» و «کونسان»؛

— دو پایگاه دریایی در «بوزان» و «اتشون»؛

— مراکز ارتش هشتم امریکا، نزدیکی «سئول»، «تاگو» و دیگر شهرهای

بزرگ.

دوم، ژاپن بزرگترین مجتمع نظامی امریکا در خاور دور را تشکیل می دهد، چه، ایالات متحد امریکا در این کشور علاوه بر کارگران و کارمندان غیر نظامی، جاسوسان و مزدوران C.I.A با ارتش پنجاه هزار نفری حضور دارد. امریکا اضافه بر مراکز و پادگانهای نظامی و غیره حدود پنجاه پایگاه در این کشور دارد. پنتاگون در خاک ژاپن در حدود سیصد مرکز و پادگان نظامی بنا کرده که از آن میان می توان از میدانهای تیر برای سلاحهای گوناگون، ذخایر انواع مهمات از جمله مهمات اتمی، نام برد.

— مجموعه پایگاههای هوایی امریکا در «یوکوتا» و «میساوا» و «تاچیکاوا» که یکی از ارتشهای سه گانه هوایی امریکا که در بخش غربی پهنه اقیانوس آرام حضور دارد در آنها مستقر شده اند. مراکز نامبرده از حومه های پایتخت (توکیو) می باشند؛

— پایگاه دریایی «یوکوسوگا» در نزدیکی «یوکوهاما». این پایگاه

متعلق به ناوگان هفتم امریکاست که کارگاههای تعمیر و اصلاح زیردریاییهای

اتمی امریکا در آن کار گذاشته شده است؛

— پایگاهها، ذخایر و مراکز نظامی «اوکیناوا»؛ در این جزیره یکی از مهمترین ذخایر اتمی پنتاگون در غرب اقیانوس آرام، قرار دارد. «در این جزیره یک سری از مهمترین مراکز تحقیقات و آموزش خرابکاری و جنگهای روانی و نیز فرودگاههای ویژه هواپیماهای جاسوسی (U2) وجود دارد؛

رویهرفته در «اوکیناوا» بیش از شصت مرکز عظیم نظامی امریکا هست که در آنها حدود نود هواپیمای فانتوم قرار دارند. همانطور که روزنامه‌های ژاپنی نوشته‌اند، بزرگترین «جزیره پایگاهها» بشمار می‌رود.^۱

سوم، «پنتاگون بیش از شانزده هزار سرباز و افسر و تعدادی فرودگاه و پایگاه عظیم دریایی در فیلیپین دارد. در این کشور، واحدها و تشکیلات اساسی نیروی هوایی تاکتیکی و تعداد زیادی از هواپیماهای حمل و نقل جنگی و اطلاعاتی - نظامی و نیز سلاح هوایی علیه زیردریایی و سلاحهای هوایی ویژه، وجود دارد. در فیلیپین پایگاههای دریایی که در آنها کشتیهای جنگی و کمکی وابسته به ناوگان هفتم امریکا و ناوگان امریکایی ویژه این کشور جای گرفته‌اند وجود دارد.^۲ مهمترین پایگاهها عبارتند:

— مجتمع هوایی «کلارک فیلد» در بخش میانی جزیره «لونزون» نزدیکی پایتخت (مانیل)؛ این مجتمع را می‌توان بزرگترین پایگاه هوایی امریکا در خارج از ایالات متحد بشمار آورد. این مجتمع چهارصد کیلومترمربع را اشغال کرده و همواره در حال توسعه است. روزنامه «نیویورک تایمز» می‌نویسد: پایگاه «کلارک فیلد» مرکز عملیات هوایی در منطقه‌ای است که از جنوب شرق آسیا تا تایوان و دورتر از آن را شامل می‌شود.

— پایگاه دریایی «سویک‌های»؛ این پایگاه در زمان صلح ماهانه به بیش از صد کشتی سرویس می‌دهد.

چهارم، «پنتاگون دهها تأسیسات جنگی در خاک تایلند بنا کرده که هفت مرکز آنها از جمله بزرگترین پایگاههای هوایی بشمار می‌آیند که بیش از پنج هزار و چهارصد هواپیمای جنگنده و از آن میان بمب افکنهای استراتژیک (B-52) و (FB-۱۱۱) را در خود جای می‌دهند؛ معروفترین پایگاه آن، پایگاه دریایی «ساتامیب» نزدیک بانکوک است که بنای آن نود میلیون دلار هزینه دربرداشت پنجم، ایالات متحد امریکا خود را برای ایجاد پایگاههایی در دو کشور

۱. بیلاچنکو، همان مدرک، ص ۱۰۷-۸۷.

۲. همان مدرک.

مالزی و اندونزی آماده می‌کند ولی رژیمهای مرتجع این دو کشور، هیچ محدودیتی در تقدیم هرگونه امکانات و تسهیلات برای قوای امریکایی در یک جنگ جهانی احتمالی، قائل نیستند.

۳. مجموعه پایگاههای اقیانوسیه: قاره اقیانوسیه به دو بخش اساسی «ملانزی» و «پولینزی» تقسیم می‌شود که بخش اخیر شامل جزایر کوچک و بزرگی است که از استرالیا تا غرب امریکا ادامه یافته‌اند:

الف— مجموعه پایگاههای ملانزی؛ این بخش شامل استرالیا، نیوزلند، کینه جدید و تسمانی است. پیش از این گفتیم که خاک استرالیا و تأسیسات نظامی آن بهنگام نیاز در اختیار قوای ایالات متحد امریکا قرار دارد، چه، این مستعمره قدیم به دنبال استقلال خود به یکی از وابسته‌های قدرتمند امپریالیسم نوین تبدیل شد؛ بعلاوه، این کشور در کنار نیوزلند و دیگر کشورهای موجود در جزایر این منطقه، یکی از اعضای پیمان «آنزوس» است و نیز فصل مشترک مجموعه پایگاههای [امریکا] در دو اقیانوس آرام و هند را تشکیل می‌دهد. در سطور پیش و آنگاه که درباره پایگاههای اقیانوس هند سخن گفتیم از برخی پایگاههای امریکایی سخن رانده شد.

نیوزلند به عنوان وابسته امپریالیسم نوین، مکمل استرالیاست و از سرازر ارتباطات و نیز پارازیت‌های الکترونیکی بشمار می‌رود.

ب— مجموعه پایگاههای پولینزی؛ این بخش شامل تعداد بسیاری جزایر کوچک و بزرگی است که از استرالیا تا به غرب ایالات متحد ادامه دارند و پایگاههای نظامی در جزایر استوایی یعنی: «گوام»، «تنسیان»، «جونستون»، «گواجیلتن»، «سیدوی» و «ویک» و غیره متراکم شده‌اند. ویژگی عمده این پایگاهها طبق تعبیر مجله «یونایتد استیتس نیوز اندورلد ریپورت» دوری از دردهای سیاسی و به‌علاوه موقعیت [ممتاز] استراتژیک آنهاست. ذیلاً مهم‌ترین آنها را ذکر می‌کنیم:

— در جزیره «گوام» علاوه بر کارگران غیرنظامی امریکا که مشغول کارهای مختلف هستند بیش از دوازده هزار سرباز امریکایی حضور دارند؛ در اینجا پایگاه عظیم هوایی «اندرسن» تأسیس شده که قادر به سرویس دهی به همه گونه هواپیما و از جمله هواپیماهای بمب افکن (B-52) می‌باشد که در جریان جنگ ویتنام در حملات هوایی علیه شبه جزیره هند و چین شرکت داشتند.

همچنان که در بندر «ایرا» — در ورودگاه خلیج «سومای» واقع در غرب جزیره که با نواری از جزایر سرجانی احاطه شده — نیز پایگاهی برای زیردریاییهای

هسته‌ای حامل موشک بنا کرده است.^۱

— در «تیسینان» (شمال گوام) دو پایگاه پیشرفته، یکی هوایی و دیگری دریایی و نیز یک انبار استراتژیک سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد. این جزیره نسبت به پایگاه‌های اوکیناوا و فیلیپین خط دوم را تشکیل می‌دهد. دقیقاً از همین جزیره بود که دو هواپیمایی که «هیروشیما» و «ناکازاکی» را بمباران اتمی کردند، به پرواز درآمدند^۲؛

— پایگاه «پیرل هاربور» در نزدیکی «هونولولو» در هاوایی، همان پایگاهی که ژاپنی‌ها ناوگان امریکا را در آن — طی جنگ دوم جهانی — در هم کوبیدند. ما در اینجا تنها به ذکر مواردی می‌پردازیم که در نشان دادن نمای عمومی شبکه پایگاه‌های امریکا — که بخش پیشرفته و عقب‌مانده جهان سرمایه‌داری را پوشانده‌اند — کمکمان کنند.

پیش از این گفتیم که تعداد پایگاه‌ها در این شبکه بیش از ۲۰۰ است که ۳۶ پایگاه آن از مراکز بزرگ بشمار می‌روند، همچنان که در این بحث، پایگاه‌هایی را که مربوط به پیمان‌هایی به رهبری امریکا هستند و نیز پایگاه‌ها و مراکز نظامی گوناگونی که مربوط به هر یک از همپیمانان این کشور است، بشمار نیاورده‌ایم، علی‌رغم اینکه این کشور هرگونه تسهیلات و امکاناتی را از این — گونه پایگاه‌ها و مراکز نظامی برای قوای خود دریافت می‌دارد و می‌توان آنها را جزو تجهیزات کمکی شبکه ویژه او، بشمار آورد.

بیان کردیم که پایگاه‌های امریکا، استخوانبندی تشکیلاتی بشمار می‌روند که سازمان نظامی — جهانی ایالات متحد امریکا بر آن استوار است. حرکت هر نیرویی از این نقطه به آن نقطه شبکه فوق — هر واحد از نیروهای امریکایی که بر کره زمین حرکت کند — به‌عنوان شمال «نیروی واکنش سریع» در واقع به‌مفهوم حرکت بر خطی از پایگاه‌هایی است که هرگونه تسهیلات و امکانات و اطلاعات و انواع کمک‌ها و پشتیبانی‌های مورد نیاز در مأموریتی که به‌خاطر آن حرکت خود را آغاز کرده است، برایش فراهم می‌شود.

این نیرو در طول انجام مأموریت خویش، از راه زمین، هوا و دریا نه تنها با پایگاه‌های نزدیک خود بلکه با عمده‌ترین پایگاه شبکه نظامی جهانی که خاک ایالات متحد امریکا — مرکز شبکه جهانی پایگاه‌ها — است، ارتباط دارد، و فرضاً «نیروی واکنش سریع» که برای دخالت در کشورهای جهان سوم تدارک

۱. همان مدرک.

۲. همان مدرک.

شده، از نیروهایی تشکیل یافته که به واحدهای ذخیره موجود در خاک ایالات متحد اسریرکا، مرتبط می‌شوند و هنگامی که این کشور تصمیم به تجاوز در منطقه‌ای از جهان، مثلاً منطقه خلیج [فارس] می‌گیرد این کار بسته به حجم نیرویی که قرار است در این دخالت شرکت کند - با تجمع نیرو در یک یا تعدادی از کشورهای نزدیک به خلیج فارس - آغاز می‌شود و برای این کار پلهای هوایی و دریایی از امریکا و از فراز اقیانوسها و دریاها، تا به کشور یا کشورهای مورد نظر زده می‌شوند، برای نمونه بر فراز اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه و از آنجا به اسرائیل و یا از اقیانوس اطلس و اقیانوس هند از طریق دماغه اسیدنیک و از آنجا به عمان و یا اینکه از فراز اقیانوس آرام، سپس اقیانوس هند و آنگاه به عمان و یا بالاخره راههای دیگری که قبلاً دانستیم، که با توجه به شبکه جهانی پایگاههای امریکایی فراهم است:

از طرف دیگر اغلب نیازهای تسلیحاتی و مهمات و ذخایر نیروهای انتقالی، در همان نزدیکی میدان کارزار در انبارها و ناوهای پایگاههای منطقه‌ای یافت می‌شود. چنانکه پشتیبانی هوایی و دریایی این دخالت نیز با حضور ناوگانهای دریایی و هوایی در پایگاههای نامبرده، تأمین شده است. بیش از این درباره خطوط کلی و تصویر عمومی که امریکا برای جنگ شوشکی - هسته‌ای جهانی تدارک می‌بیند سخن گفتیم.

نیروهای نظامی امریکا

ذیلاً سعی می‌کنیم نمایی از نیروهای مسلح امریکا - کلاسیک و هسته‌ای - همراه با چگونگی پراکندگی در جهان و توضیح درباره برخی سلاحهای کلاسیک این کشور ارائه دهیم؛ لازم است که در این رابطه دو نکته را بخاطر داشته باشیم:

نخست؛ اینکه نیروهای نظامی در پهنه جهانی، مسابقه تسلیحاتی هم از لحاظ کمی و هم از نظر کیفی دائماً در حال تغییرند.

دوم، اینکه اگرچه چیزهای زیادی راجع به تسلیحات کشورهای جهانی دانسته شده است ولی همواره به علت مخفی نگهداشتن این نوع مسائل، نکات

۱. به نقل از مبحثی در «بررسیهای فتح»، تحت عنوان «مسابقه تسلیحاتی را متوقف کنید». آمار و ارقام در این نوشته هستند بر نشریه «موازنه نظامی» مربوط به سال ۸۰-۱۹۷۹ است.

مبهم فراوانی در ذهن نسبت به نیروی نظامی کشورهای بزرگ باقی می ماند. طی دهه ۷۰-۱۹۶۵، در مجموع، بودجه نظامی ایالات متحد به یک هزار و شصت میلیارد دلار بالغ گشت، یعنی به طور متوسط سالیانه یکصد و شش میلیارد دلار - معادل یک سوم بودجه آن کشور - صرف هزینه نظامی شده است. به این رقم باید هزینه های دیگری نیز افزود که در بودجه امریکا به عناوین مختلف منظور می شود، در حالی که همه آنها به نوعی جزو هزینه های نظامی بشمار می روند و همچنین مبالغی به عنوان کمک به وابسته های امریکا - چون اسرائیل - پرداخت می شود که به مصارف نظامی کشور گیرنده یا خود امریکا می رسد، مانند سه میلیارد دلاری که در پایان سال گذشته (۱۹۸۱) برای تکمیل ساختمان فرودگاه «النقب» که قبلاً بدان اشاره داشتیم، اختصاص یافته بود. از سوی دیگر بودجه های نظامی امریکا همیشه در حال افزایش بوده است، چنانکه ریگان نیز بودجه برنامه های اجتماعی را کاهش داد تا بتواند مبالغ هنگفتی به بودجه تسلیحاتی بیفزاید. «در چهارم مارس ۱۹۸۱»، «کاسپر واین برگر» از کنگره درخواست کرد تا صد و هشتاد و پنج میلیارد دلار به بودجه نظامی پیشنهاد شده توسط رئیس جمهور قبلی (کارتر) افزوده شود.

بدین ترتیب برای پنج سال آینده این بودجه به مبلغی در حدود هزار و سیصد میلیارد دلار خواهد رسید. طبق گفته (واین برگر) این افزایش بودجه، امری ضروری است تا به کمک آن بتوان از آشفته شدن اوضاع پس از جنگ ویتنام، جلوگیری کرد. برای تکمیل برنامه «تسلیمات مکرر» ژنرال «هیگ» وزیر خارجه، افزایش بیشتری را پیشنهاد کرده است که با در نظر گرفتن آنها، بودجه نظامی امریکا به ترتیب زیر افزایش می یابد: ۲۲۲ میلیارد دلار در ۱۹۸۲، ۲۵۵ میلیارد دلار در ۱۹۸۳، ۲۸۹ میلیارد دلار در ۱۹۸۴ و ۳۲۷ میلیارد دلار برای ۱۹۸۵.

باید میزان تورم نقدینگی در این افزایشها را نیز بشمار آورد. [به عبارت دیگر باید این افزایشها را در ضریب تورم ضرب کرد. - مؤلف].

«اسروزه بودجه تسلیحاتی پیمان ناتو از مجموع تولید ملی تعدادی از کشورها و قاره ها، بیشتر است و همواره با آهنگی پرشتاب در حال افزایش است: طی بیست سال نخست عمر «ناتو» (از ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۸) کشورهای عضو این پیمان، مبلغ ۱،۳۰۰ میلیارد دلار بابت احتیاجات نظامی منظور کرده اند، در حالی

۱. به نقل از نیویورک تایمز، شماره ۵، مارس ۱۹۸۱، میزان بودجه در مقاله «میکایل کلار» در ماهنامه لوموند دیپلماتیک، شماره سپتامبر ۱۹۸۱، آمده بود.

که طی دهه ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۸ نیز همین مبلغ در نظر گرفته شد و برای سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ مبلغ هزار میلیون دلار اختصاص یافته است.^۱

الف- رسته‌های نظامی آمریکا: نیروهای مسلح امریکا شامل نیروی زمینی، دریایی و هوایی است. نیروهای ویژه‌ای مانند سلاحهای موشکی - هسته‌ای استراتژیک، سلاح پروازهای استراتژیک، تفنگداران دریایی، نیروی سواران فضا - که هلیکوپتر نقل مکان می‌کنند - و نیروهای ویژه خرابکاری و غیره. هر کدام از اینها، فرماندهی ویژه خود را دارند و هماهنگی این فرماندهیها به‌عهده ستاد مشترکی است که قرارگاه دائمی آن در پنتاگون قرار دارد.

پیشتر گفتیم که «دفتر امنیت ملی» به ریاست رئیس جمهوری ایالات متحد امریکا هرگونه فعالیت سیاسی - اقتصادی و نظامی دولت را رهبری کرده و در چارچوب استراتژی مورد نظر خود، به آنها هماهنگی می‌بخشد.

جمع نیروی نظامی ایالات متحد امریکا به حدود دو میلیون و پنجاه هزار سرباز بالغ می‌شود که به نسبت ذیل در بخشهای گوناگون، توزیع شده‌اند:

هفتصد و هفتاد هزار نفر نیروی زمینی؛

پانصد و بیست و چهار هزار نفر نیروی دریایی؛

صد و نود هزار نفر تفنگداران دریایی؛

پانصد و شصت و سه هزار نفر نیروی هوایی؛

و همچنین حدود یک چهارم از نیروهای ایالات متحد در پایگاههای گوناگون خارج از این کشور، پراکنده‌اند. این پراکندگی معمولاً به شکل زیر است:

۱. مجموع نیروهای امریکا در اروپا بالغ بر سیصد و بیست و پنج هزار سرباز است که حدود دویست و چهل هزار سرباز در آلمان باختری، بیست و سه هزار سرباز در بریتانیا، یازده هزار در ایتالیا، هشت هزار در اسپانیا و پنج هزار در ترکیه، مستقرند. در ناوگان ششم این کشور بیست و پنج هزار تفنگدار دریایی و سرباز نیروی دریایی حضور دارند، بقیه نیز بین یک تا سه هزار سرباز در کشورهای چون: یونان، ایسلند، هلند، بلژیک، پرتغال، و غیره پراکنده‌اند.

۲. در پهنه اقیانوس آرام، حدود صد و سی و سه هزار سرباز از جمله پنجاه هزار نفر در ژاپن، چهل هزار نفر در کره جنوبی، چهارده هزار سرباز در فیلیپین، نه هزار سرباز در گوام، بیست و دو هزار سرباز دریایی ناوگان هفتم و بقیه میان استرالیا، «میدوی»، نیوزلند و غیره، مستقرند.

۱. الحياة الدولية، زندگی بین‌المللی، گزارشات فتح، ش ۱۶۳، ۱۶/۱۲/۱۹۸۱.

۳. در امریکای لاتین در حدود پانزده هزار سرباز حضور دارند که دم هزرتای آنها در پاناما و سه هزار و پانصد نفر در پورتوریکو و سه هزار نفر در «گوانتانامو» هستند.

۴. تعداد بیست هزار سرباز امریکایی در پهنه اقیانوس هند حضور دارند که شش هزار نفر از آنها نیروی ناوگان پنجم و سه هزار نفر در «دیه گوارسیا» و بقیه در عربستان سعودی و دیگر مراکز نظامی این منطقه پراکنده اند.

۵. علاوه بر اینها ایالات متحد نیروهایی در کانادا، برسودا، گروئنلند و دیگر مناطق جهانی دارد که در اینجا از آنها یاد نشده است.

ب- نیروی دریایی امریکا: شامل ناوها و نیروهای هوایی- دریایی است: نخست، ایالات متحد، ششصد فروند ناو گوناگون طبق لیست زیر دارد:

— سیزده فروند هواپیماپر؛

— سی و شش فروند ناو جنگی؛

— صد فروند ناوشکن؛

— هفتاد و دو فروند ناو عظیم جنگی؛

— صد و بیست فروند زیر دریایی که چهل و هفت فروند آن با انرژی هسته‌ای حرکت می‌کنند و چهل و یک فروند آنها پرتاب کننده موشکهای هسته‌ای هستند.

شصت و پنج فروند نیروپر؛

— دوست فروند ناو کمکی.

دوم، نیروی هوایی - دریایی شامل:

— یازده هزار خلبان و شاغل در پروازهای دریایی؛

— پانصد نفر شاغل در حمل و نقل هوا - دریا؛

— ششصد نفر شاغل در دفاع هوا - دریایی.

نیروی دریایی امریکا در آبهای جهان شامل ناوگانهای زیر است:

۱. ناوگان اول، شامل:

— پنج هواپیماپر؛

— شصت و یک ناو جنگی؛

این ناوگان در آبهای اقیانوس اطلس در شرق ایالات متحده، فعالیت دارد.

۲. ناوگان سوم، شامل:

۱. ما فعلاً شاهد آغاز بنای این پهنه نظامی هستیم، شکی نیست که قوای امپریالیستها به دلیل اهمیت عظیم این منطقه از تمامی جنبه‌های اقتصادی و نظامی، دائماً در حال افزایش خواهد بود.

— چهار فروند هواپیما بر؛

— شصت و هفت ناو جنگی؛

محدودهٔ فعالیت این ناوگان آبهای اقیانوس آرام در غرب ایالات متحد است.

۳. ناوگان پنجم، دربرگیرنده:

— دو هواپیما بر (که از ناوگانهای دیگر همچون ناوگان هفتم امریکا

[هواپیما] می‌گیرند)؛

— سه فروند نیروبر؛

— شانزده ناو جنگی.

این ناوگان تازه تأسیس بوده و در آبهای اقیانوس هند فعالیت دارد.

۴. ناوگان ششم، شامل:

— دو هواپیما بر؛

— هفت فروند نیروبر؛

— دوازده فروند ناو نیروبر؛

— پنج زیر دریایی؛

— چهار فروند ناو کمکی.

محدودهٔ فعالیت این ناوگان دریای مدیترانه است.

۵. ناوگان هفتم، مشتمل بر:

— دو هواپیما بر؛

— نوزده فروند ناو جنگی؛

— هفت فروند زیر دریایی؛

— نوزده فروند ناو کمکی.

این ناوگان در بخش غربی اقیانوس آرام فعالیت دارد.

ج- نیروی هوایی امریکا: مجموعاً دارای ۳۸۱۵ فروند هواپیما به شرح زیر

است:

— ۸۶ فروند هواپیماهای بمب افکن از نوع (FB-۱۱۱)؛

— دوهزاروپانصد فروند هواپیمای تاکتیکی؛

— سیصد و پنجاه فروند جنگنده دفاعی؛

— هشتصد و هفتاد فروند جنگنده ذخیره.

در اروپا ششصد و بیست جنگنده مشغول بکارند در حالی که در خاور دور

سیصد و سی جنگنده از نیروی هوایی امریکا فعالیت دارند.

نیروی استراتژیک که شامل انواع گوناگون موشکهای قاره‌پیما و بمبهای

سنگین است، عبارتند:

- پنجاه و چهار موشک از نوع (2ACBBM تیتان)؛
 - چهار صد و پنجاه موشک از نوع (2ACM مینیوتیمان)؛
 - پانصد و پنجاه موشک از نوع (3-ACDM مینیوتیمان)؛
 - صد و شصت موشک از نوع (پولاریس)؛
 - پانصد موشک از نوع (پوزیدون و ترایدانت SLBM)؛
- و پانصد و هفتاد و پنج بمب سنگین، وجود دارند.
- ۵- انواع گوناگون رادارهای هشدار دهنده علیه بمبارانهای عادی و هسته‌ای نیز وجود دارد که مجموع ایستگاهها، هواپیماها، ناوها و دیگر رادارها و وسایل الکترونی به نه هزار و دویست وسیله بالغ می‌شود.
- ۵- انبارهای سلاحهای اتمی آمریکا در اروپا در کشورهای بریتانیا، آلمان غربی، بلژیک، هلند، ایتالیا، یونان و ترکیه، توزیع شده است.

نیروهای نظامی دو پیمان «ناتو» و «ورشو»^۲

گفتیم نظام جهانی سرمایه‌داری انحصاری که ایالات متحد آمریکا - در پی جنگ دوم جهانی - به سرکردگی خود ایجاد کرده، شکل یک شرکت انحصاری را به خود گرفته است، چه، در این نظام تمامی کشورهای سرمایه‌داری - اعم از پیشرفته و عقب‌مانده - شرکت دارند و شرکای بزرگ و در رأس همه آنها ایالات متحد آمریکا از مجموع توانهای اقتصادی و نظامی شرکت-کنندگان بهره‌سی‌جویند.

این کشور سلطه اسپریالیستی بر این نظام دارد، آن را اداره می‌کند و بسته به قدرت و موقعیت هریک از شرکا، دستاوردهای (مثبت و منفی) این نظام را میان آنها تقسیم می‌کند. فراسوش نکنیم که در اینجا منظور از شرکا، مردم استثمار شده نیستند بلکه این دولتها و در مقابل آنها، طبقه اندک حاکم مورد نظرند.

۱. آمارهای بند «الف» تا «ه» که در اینجا آمده در شماره ۱۹۸۰/۱/۷ مجله «یواس نیوز اند وورلد ریپورت» به نقل از گزارشی که دفتر مطالعات مجلس - تقاً در ۱۹۷۹ تهیه کرده بود، به چاپ رسیده است.

۲. آمارهای ما در اینجا از نشریه «موازنه نظامی» مربوط به سال ۸۰-۱۹۷۹ اقتباس شده است.

در چنین ترکیبی که براساس رقابت و زور استوار است، بسیاری از قوای مادی در راه حمایت، حفظ و کنترل روابط داخلی میان هر کدام از این شرکا و بویژه برای سرکوب ساختن مستضعفین، به هدر می‌رود. اجازه بدهید نگاهی به موازنه قوای نظامی دو پیمان «ناتو» و «ورشو» و تعداد سربازان آنها، بکنیم. با توجه به این نکته که اکثریت اعضای پیمان ناتو تنها از شرکای بزرگ نظام جهانی سرمایه‌داری انحصاری، یعنی کشورهای پیشرفته تشکیل شده است و کشورهای عقب‌مانده این جهان و نیز وابسته‌های امپریالیسم همچون اسرائیل و افریقای جنوبی در آن عضویت ندارند.

موازنه قوای نظامی دو پیمان «ناتو» و «ورشو»:

الف- تعداد نیروهای اعضای پیمان آتلانتیک شمالی «ناتو»، عبارتند از:

تعداد (هزار سرباز)	نام کشور
۲۶۰۰۰	ایالات متحد امریکا
۴۹۰	آلمان غربی
۳۶۰	ایتالیا
۱۸۰	یونان
۸۷	بلژیک
۶۰	پرتغال
۵۶۶	ترکیه
۵۰۹	فرانسه
۳۲۳	بریتانیا
۱۱۰	هلند
۹۰	کانادا
۳۹	نروژ
۳۵	دانمارک
۴۹۰۹	جمع

بعنوان مثال، کشورگرسنه‌ای چون ترکیه با قوایی بیش از هر کدام از

کشورهای سرمایہ داری دیگر — بجز امریکا — «از نظام گرسنگی دفاع می کنند». تعداد سربازان و خرابکاران این کشور استعماری [امریکا] در مناطق مختلف جهان مسلماً بیش از آنی است کہ سرکردہ استعمارگران، خود از آن سخن می گویند:

ب۔ پیمان «ورشو»:

تعداد (ہزار سرباز)	نام کشور
۳،۶۶۰	اتحاد شوروی
۱۹۴	چکسلواکی
۱۵۹	آلمان خاوری
۱۰۴	مجارستان
۳۱۸	لہستان
۱۸۰	رومانی
۱۵۰	بلغارستان
۴،۷۶۵	جمع

مشاہدہ می کنیم کہ امریکا برای حمایت از نظام جهانی خویش از نیروهای شرکای خود کہ در حدود یک برابرونییم قوای خود اوست، استفادہ می کند. در حالی کہ همیمانان اتحاد شوروی با نیرویی کمتر از نصف نیروی این کشور در پیمان ورشو، مشارکت دارند. بار دیگر توجہ خوانندگان را بہ این مطلب جلب می کنیم کہ تمامی آمار و ارقامی کہ در بررسیہای مشابہ مطرح می شود، با پیشرفت تکنولوژی و تغییر شرایط، تغییر می کنند. این ارقام تنها تصویری کلی از میزان آمادگی ہر کدام از اردوگاہها در مقابلہ با طرف دیگر را در شرایط موجود، بیان می کنند.

اما آنچه مہم است، چگونگی رویارویی و قدرت انعطاف ہر یک از نیرو-ہای درگیر و میزان ہمانگی آنها با جریان وقایع تاریخ است.

تقویت سازمان نظامی - جهانی امریکا

در صفحات قبل، از بودجه‌ای که واین پرگر برای وزارت دفاع ریگان و نیز مبلغ اضافه‌ای که وزیر خارجه او «هیگ» درخواست کرده بود، سخن گفتیم. بودجه اضافی تنها به این دو قلم محدود نشده، بلکه در طول سال مالی، دائماً میلیاردها دلار اضافی برای پاسخ به درخواستهای وزارت دفاع امریکا - و درخواست وابسته‌های تجاوزپیشه این کشور در جهان، همچون اسرائیل^۱ و دیگران - اختصاص می‌یابد. توگویی این ابزار لعنتی - کنگره امریکا - قلب شیطانی است که بلاوقته و شبانه‌روز مشغول انتشار خون شرارت و خرابی به‌بازوان خویش است.

دولت کنونی امریکا از هنگام پست گرفتن زمام قدرت، تمام تلاش خود را بکار می‌برد تا نه تنها مطالعات و اقدامات دولتهای پیشین را در زمینه گسترش دستگاه جهانی - جنگی امریکا و تجدید سازمان آن، به اتمام رساند، بلکه این دستگاه را به مرحله‌ای از قدرت برساند که برتری مطلق و قاطعی بر دستگاه رقیب در اردوگاه سوسیالیسم، کسب کند و قادر به خاموش ساختن و ازپای درآوردن هر حرکت آزادخواهانه در جهان به‌شکلی که بقای انحصارگران یانکی را تضمین کند، باشد.

این تلاش و کوشش ویرانگر، تنها به حساب سیاه‌بختی میلیونها نفر در جهان و از جمله مردم امریکا، صورت می‌گیرد. طبق آمارهای رسمی، در ۱۹۸۲ میزان بیکاری مطلق نیروی کار به ۹ درصد رسید. با توجه به اینکه کارگران این کشور در رشته‌های گوناگون صنعت و کشاورزی و حمل و نقل و خدمات و غیره، بیش از صد میلیون نفرند که شصت میلیون نفرشان در بخش صنعت مشغول بکارند.

ریگان در سخنرانی اخیر خود به تاریخ ۱/۲۸/۱۹۸۲، درباره «حالت فدرالی» از وجود چهل و یک میلیارد دلار کسری در بودجه عمومی فدرال سخن

۱. پس از آنکه اسرائیل «جولان» را به خاک خود منضم ساخت، پنتاگون پیشنهاد کرد که از آغاز ۱۹۸۳، سیصد میلیون دلار به بودجه نظامی افزوده شود و بدین ترتیب این بودجه به ۱/۷ میلیارد دلار در این سال رسید. ریگان از این درخواست پشتیبانی و درخواستی مبنی بر تقدیم چهارصد میلیون دلار به مصر را بر آن افزود و بدین ترتیب کمکهای نظامی به مصر در ۱۹۸۳ به میزان ۱/۳ میلیارد دلار بالغ گشت.

راند و در حالی که صدها میلیارد دلار به ساخت ابزارهای جنگی اختصاص داده است، برای هموطنان خود دارویی جز صبر و تحمل گرسنگی و محرومیت سراغ ندارد.

حزب دموکرات نیز - به اعتراف صدای امریکا در تفسیری که با مصادد ۱۹۸۲/۱/۳۰ داشت - با اینکه بلافاصله نسبت به سخنرانی ریگان در این باره، واکنش نشان داد، مطلب مهمتری برای عرضه نداشت، چه، در این واکنش از طرح مشکلات اساسی که اقتصاد امریکا با آن دست به گریبان است و از همه مهمتر مشکل به باد دادن میلیاردها دلاری که بدون کمترین سودی تنها به کار ویرانی آمده، استناعت ورزید. در واقع باید گفت: هر دو حزب این کشور «دموکرات و جمهوریخواه» نماینده ارتجاع سیاه و دشمن بشریتند.

ایالات متحد امریکا - همانطور که پیش از این نیز گفتیم - سعی دارد در دوران ریگان، شعله ور شدن جنگ را - حتی اگر کار به جنگ جهانی - هسته‌ای بکشد - امری پیش پا افتاده و عادی جلوه دهد. دو تن از دانشمندان سرشناس امریکا که یکی از آنها «هنری کندال» است گفته‌اند: «ایالات متحد به دلیل یک اعتقاد نادرست مبنی بر اینکه می‌تواند برنده جنگ باشد، به سوی جنگ هسته‌ای پیش می‌رود. سخن از احتمال پیروزی در جنگ هسته‌ای محدود یا همه‌جانبه یک اشتباه مطلق است...!». ولی هیئت حاکمه فعلی ایالات متحد امریکا علی‌رغم بالا گرفتن اعتراضات، همچنان به اجرای برنامه‌های گوناگون خود برای «توسعه بخشیدن» به دستگاه جهانی - نظامی خود اصرار دارد. ذیلاً سعی می‌کنیم تصویری از مهمترین برنامه‌های این نظام و نقشی که این برنامه‌ها در تصمیم‌گیریهای نظامی - جهانی امریکا ایفا می‌کنند، ارائه دهیم:

۱. تکامل بخشیدن به شبکه پایگاههای نظامی در جهان: ایجاد پایگاههای جدید و صرفنظر از آنچه بکار نمی‌آیند و متکاسل ساختن برخی دیگر تا جوابگوی نیازهای تازه باشند.

پیش از این درباره فعالیت‌های امریکا برای تجهیز بیشتر پایگاه «دیه‌گوگاریا» و تدارک پایگاههای عظیم دیگری در منطقه «النقب - سینا» - علاوه بر بندر «ایله»، «عقبه» و فرودگاه آن - بنابه ضرورت سخن گفتیم و به برنامه‌های امریکا برای ایجاد پایگاهها و انبارهایی در هر یک از کشورهای اسرائیل، مصر، سودان، سومالی و کنیا اشاره داشتیم. در پایان دیدار «واین برگر» وزیر دفاع امریکا از ترکیه، در پایان سال ۱۹۸۱ قراردادی به شرح زیر، میان

دو کشور ترکیه و امریکا، به امضا رسید:

— ساخت پایگاههای جدید علاوه بر پایگاههای متعددی که هم اینک در شبه جزیره اناتولی برپایند.

— کوشش در مدرنیزه کردن ارتش ترکیه و سلاحهای آن؛ یعنی چیزی که پیش از پیش باری بر دوش مردم گرسنه و ستمدیده ترک خواهد نهاد و جز خدمت به اهداف پنتاگون متضمن سود دیگری نیست.

— ایجاد انبارهای اضافی برای اسلحه، ذخایر و تجهیزات و... که برای «نیروی واکنش سریع» در نظر گرفته شده اند تا در کنار اسرائیل، مصر، سودان، سومالی، کنیا، عمان و غیره، از خاک ترکیه نیز به عنوان محلی برای تجمع و حرکت این نیروها، بهره برداری شود.

۲. **پهنه اقیانوس هند:** تکامل بخشیدن به شبکه پایگاههای نظامی اقیانوس هند و کشورهای مشرف بر آن، خود بخشی از فعالیتهای عظیمی است که برای فراهم آوردن پهنه بسیار وسیع عملیاتی در حوزه این اقیانوس، صورت میگیرد.

لازم است در اینجا به این مسئله توجه کنیم که، صحنه های دیگر عملیاتی در اروپا، اقیانوس آرام، اطلس و غیره، همه در مدت زمان نسبتاً درازی — یعنی از پایان جنگ جهانی گذشته تا به امروز — و بر اساس مطالعات فشرده و الگوهای قبلی تهیه و تدارک شده اند. ولی عملیات مربوط به پایگاههای نظامی اقیانوس هند همزمان با آماده سازی پایگاه «دیه گوگاریسیا»، یعنی سال ۱۹۷۱ آغاز شد، که با راه اندازی سریع آن امریکا صاحب مهمترین پهنه نظامی در جهان خواهد شد. گو اینکه از زمان استعمار کهن، برخی پایگاهها در آن وجود داشت ولی تراکم و فشردگی و کارایی مطالعات استراتژیک در آن تأسیساتی که اشاره رفت، در مقایسه با نمونه های مشابه آن در پهنه های دیگر بویژه در «اروپا» بسیار محدود بوده است.

ایالات متحد امریکا، ناوگان جدیدی موسوم به ناوگان پنجم در این اقیانوس برآه انداخته است که بسرعت در حال گسترش است. همچنین یادآور شدیم که اخیراً سه فروند «ناو-انبار» اسلحه و تجهیزات «نیروی واکنش سریع» را به «دیه گوگاریسیا» فرستاده و تعداد این نوع ناو در آنجا به دوازده فروند رسیده

۱. خلق مسلمان گرسنه و ستمدیده دیگری نیز وجود دارد که پنتاگون نقشه می ریزد تا از کشورش برای ایجاد پایگاههایی در آن بهره گورده سخن از پاکستانیهاست و به این ترتیب می توان گفت که احاطه بر خلیج نفت، پایان می پذیرد.

است و نیز گفتیم که امریکا تصمیم دارد سطح تماسی دریا‌های جهان را با این ناوها، بپوشاند.

ایالات متحد امریکا برای مقابله با حوادث غیر مترقبه‌ای که با سقوط شاه، قریب‌الوقوع می‌نمودند، شتاب‌زده به تشکیل ناوگان پنجم خود در اقیانوس هند اقدام کرد و واحدهای آن را از نیروهای ذخیره خود و از ناوگانهای دیگری که در سرتاسر جهان گسترده‌اند، فراهم آورد. برای این است که می‌بینیم برنامه‌های توسعه نیروهای دریایی این کشور و بویژه اقدام به ساخت هواپیماهای اتمی از نوع «نیمیتز» و به کار انداختن دوباره هواپیماهایی از نوع (اوریکان - U.S.S) عموماً با آنچه که به ناوگان پنجم اختصاص یافته، خنثی شده است.

۳. تکامل بخشیدن به نیروی دریایی امریکا: علاوه بر هواپیماهایی از نوع (اوریکان - U.S.S) و «ناو- انبارها»، برنامه توسعه بخشیدن به نیروهای دریایی امریکا، ساخت دو رزمناو و ناوهای جنگی دیگر و ناوهای زمین- دریایی از نوع (LSD-41) و زیر دریاییهای اتمی را نیز شامل می‌شود. اما برنامه هواپیمایی - دریایی، لازمه اش ساخت جنگنده‌هایی از نوع «تاونکات F-14» و از نوع (F-18) و هارپر (AF-8B) و هلی کوپترهای (CH-53A) است. برنامه‌ای نیز برای متکامل ساختن موشکی که به نام (ترایدنت 2) یا (2-D) معروف است، وجود دارد تا زیر دریاییهایی از نوع «ترایدن»، از آغاز ۱۹۸۴ بدان مسلح شوند.

۴. تکامل بخشیدن به هواپیماها: این برنامه شامل موارد زیر می‌شود: اول، تولید هرچه بیشتر هواپیماهای جنگنده از نوع (A-10) برای اسکورتهای نزدیک و جنگنده بمب افکن «F-16» و جنگنده‌های دفاعی (F-15) و هجوسی (A-6).

دوم، کوشش برای جایگزین ساختن هواپیمای (B-52) با هواپیمای (B-1) در دهه هشتاد که تا آن هنگام بمب افکنهایی از نوع «ستیلث» - که از لحاظ تکنولوژیک پیشرفته هستند - به حد نهایی تکامل خود رسیده باشند، و بتوان برای به کار بردن آنها در دهه نود به تولید آنها پرداخت. پنتاگون پیش- بینی می‌کند که این بمب افکن به احتمال بسیار زیاد تا پایان این قرن خواهد توانست بر [سیستم] دفاعی شوروی فائق آید. ولی آنچه باید در اینجا مورد

۱. به نقل از گزارش جهانی، و از مجله «استراتژی»، تحت عنوان «برنامه استراتژیک ریگان».

۲. همان مدرک.

توجه قرار گیرد این است که، برای تولید یک سری از هواپیمای (B-1) به تعداد صد فروند برای ارتش امریکا که کاربرد دو یا سه ساله دارد، بودجه‌ای معادل بیست میلیارد دلار بر خزانه این کشور تحمیل می‌شود و به علاوه این ادعای بیهوده [پنتاگون] مورد تأمل است که معتقد است، از هم اکنون می‌توان پیش‌بینی کرد که تا ده سال دیگر و حتی تا پایان این قرن، سیستم دفاعی کشوری همچون اتحاد شوروی چگونه خواهد بود. و براساس این پیش‌داوری درگیر چنان برنامه‌های پر هزینه‌ای - برنامه تولید هواپیمای «استیلث» - شده است. ولی در منطق انحصارگران برای به دست آوردن سودهای کلان، هرکاری مجاز است.

سوم، تولید هواپیمای سوخت‌رسانی در فضا از نوع (KC-10A).
چهارم، تکمیل و افزایش آشیانه‌های هواپیمای قاره‌پیمای (C-5A) و هواپیمای قاره‌پیمای «استارلیفتر C-141» و ساخت هواپیمای حمل و نقل عملیاتی - تاکتیکی «C-130» البته با ایجاد تغییراتی در نمونه‌های موجود، به این هدف که ظرفیت حمل آنها افزایش یابد و قادر به پرواز طولانی‌تری شوند.
۵. متکامل ساختن موشکهای قاره‌پیما: دولت ریگان تصمیم دارد موشک جدیدی را که بی‌نهایت گرانقیمت است، وارد سیستم استراتژیک همه‌جانبه ایالات متحد کند. این موشک «MX» نام دارد که از دو حرف اول عبارت (موشک تجربی) تشکیل شده است. تولید این موشک جنجال شدیدی در محافل اجتماعی - علمی و نظامی ایالات متحد امریکا بوجود آورد.

«اندکی قبل «انستیتو تکنولوژی ماساچوست» گزارشی تحت عنوان «موشک MX، سند نابودی» منتشر ساخت که «هربرت سکوفیل» رئیس انجمن مراقبین تسلیحات بر تنظیم آن نظارت داشته است؛ نکات اساسی این گزارش عبارتند:
الف - ایجاد پایگاه و کارگاههای لازم برای شبکه موشکی (MX) که لااقل نیازمند زمینی به مساحت سی و دو هزار کیلومترمربع است. [یعنی چیزی معادل یک‌کشم از خاک جمهوری عربی سوریه - مؤلف].

ب - ایجاد این پایگاه‌ها مستلزم خاکبرداریهای عظیمی است که به منظور ایجاد گودالهایی در سطح زمین صورت می‌گیرد تا تأسیسات مربوطه را پایینتر از سطح دریا، روی زمین مستقر سازند. با این وجود امکان دارد غبارهایی در منطقه پراکنده شود که تا چندین ماه اثرات منفی آن بر محیط زیست برجای خواهد ماند.

ج - لازم است در آن منطقه‌ای که پایگاهها و کارگاههای این موشکها مستقر می‌شود گروههای انسانی بزرگی را مهاجرت داد.

د- سیستم موشکهای «MX» عظیمترین پروژه تأسیساتی در تاریخ ایالات متحد امریکا خواهد بود، حتی عظیمتر از پروژه کانال «پاناما» و عظیمتر از تأسیسات خط لوله نفتی در آلاسکا.

ه- سیستم مزبور متضمن چنان بودجه هنگفتی است که هیچ بودجه تسلیحاتی در تاریخ بشریت با آن قابل مقایسه نیست، چه، بودجه ایجاد دویست موشک «MX» به دویست و سی و دو میلیارد دلار بالغ می‌شود. تازه در این رقم، میزان هزینه‌های ناشی از زیان‌هایی که به محیط زیست، بشریت و طبیعت وارد می‌آید، منظور نشده است.

در دوران حکومت «کارتتر» در ژوئیه ۱۹۷۹ بود که تصمیم به ایجاد چنین سیستم موشکی گرفته شد. طول این موشک به هفتاد پا [حدود ۲۱ متر] و وزن آن ۱۹۲ هزار رطل یعنی ۲/۵ مرتبه سنگینتر از موشک (نیوتیمان-3) که قرار است «MX» جایگزین آن‌شود و ضخامت آن، ۷ پا و ۸ اینچ [کمتر از ۲/۵ متر] است. این موشک دارای چهار قسمت است که سه قسمت آن با سوخت جامد و چهارمی با سوخت مایع کاری کند. قسمت چهارم حامل تعدادی کلاهک هسته‌ای است که می‌توان آنها را به سمت هدفهای «پیاپی» نشانه‌گیری کرد، این قسمت را «اتوبوس» نامیدند، چه، کلاهکهای هسته‌ای (مسافران)، را یکی پس- از دیگری به هنگام رسیدن به هدف (ایستگاه)، پیاده می‌کند. قدرت انفجاری هر- یک از کلاهکهای هسته‌ای آن ۵۰ کیلو (T.N.T) است. دقت این موشک تا ۶۰۰-۳۰۰ پایی (۹۰-۱۸۰ متری) هدفی است که حدود ۹۶۰۰ کیلومتر فاصله داشته باشد. این سیستم موشکی شامل پخش ۲۰۰ موشک (MX) در ۴۶۰۰ پناهگاهی است که موشکها بتدریج و از راههای زیرزمینی بر روی خطوط آهن نقل و انتقال می‌یابند. این موشک برای سال ۱۹۸۶، یعنی خیلی پیش از اتمام تأسیساتی که برای استقرارش بدانها نیازمند است، آماده خواهد بود و لذا ناگزیر بدین منظور باید از جایگاههای موشکهای «نیوتیمان» استفاده کرد.

۶. تکمیل و تجهیز تشکیلات دفاع مستقیم از ایالات متحد امریکا:

این تکمیل شامل دفاع غیرنظامی، وسایل هشداردهی، سلاحهای ضدحمله موشکی- هسته‌ای است عبارتند:

الف- به اجرا در آوردن برنامه دفاع گسترده غیر نظامی، باهماهنگی

۱. هر «رطل»، ۲،۵۶۴ گرم است و وزن «MX» چیزی در حدود پانصد تن می‌باشد. م.

۲. از بحث فوق‌الذکر، ترجمه ربیع‌الاسیر، استراژی.

ادارات فدرال.

ب- تقویت شبکه مراقبت زمینی، هوایی، دریایی و هماهنگی با کانادا در این زمینه با اجرای برنامه های زیر:

— بهبود رادارهای فعلی و توسعه شبکه های آن در سرتاسر زمینهای شمال امریکا. پیش از این و به هنگام سخن گفتن از پایگاههای امریکا در جهان، اشاره کردیم که امریکا دارای شبکه ای جهانی از پایگاههای مختلف هوایی و زمینی استراق- سمع در شمال اقیانوس اطلس، اروپا، ترکیه، شمال اقیانوس هند، شرق آسیا و شمال اقیانوس آرام و غیره است و دیدیم که وزیر دفاع امریکا در دیدار اخیر خود از ترکیه در اواخر سال گذشته موافقت حکومت ترکیه را در ایجاد پایگاههای جدید و نیز بهبود بخشیدن به وضع پایگاههای قبلی بدست آورده است، اکثر این پایگاهها ویژه سمع الکترونیکی، ساخته شده اند.

امریکا همچنین تلاش دارد، نوع تازه ای از رادارهای «OTHB»، را در سیستم کنترل و اطلاعات الکترونی- زمینی بکارگیرد.

— تقویت رادارهای زمینی از طریق افزایش کنترل هوایی با به کارگرفتن تعداد بیشتری از هواپیماهای «ای واکس» و اختصاص دادن شش فروند از این هواپیماها به مناطق شمالی قاره امریکا که پیش از این در بحث، از گستردگی سیستم کنترل آن مروری بر این امر داشته ایم. می دانیم که ایالات متحد امریکا دو فروند از این هواپیماها را به مصر و چهار فروند آن را به عربستان سعودی فروخته است. نوع دیگری از هواپیماهای کنترل هوایی از نوع (BA) وجود دارد که تصمیم به تولید مجدد آن گرفته شده است.

ج- شبکه ضد حمله هسته ای با استفاده از هواپیماهای جنگنده و موشکهای زمینی، دریایی و هوایی و سیستمهایی که در فضا متمرکزند:

— پنج اسکادران از هواپیماهای جنگنده (F-106) جای خود را به هواپیماهای جدیدی از نوع (F-15) می دهند.

— قرار است یک سیستم کامل برای مقابله با موشکهای بالستیک تهیه شود. طبیعی است این سیستم شامل تمام تدابیر هجومی علیه پایگاههای موشکی دشمن و از جمله ایجاد سیستم موشکی «MX» می شود. همچنین ایالات متحد سعی دارد یک سیستم فضایی هسته ای هجومی بوجود آورد. جار و جنجالهای فعلی درباره

۱. در خبری که رادیوهای جهان روز ۱۹۸۳/۹/۲۲ گزارش کردند، آمده بود: ایالات متحد امریکا اقدام به ایجاد دو ایستگاه استراق سمع نزدیک مرز اتحاد شوروی در ترکیه، کرده است.

ماکوی فضایی، در این زمینه است.

۷. افزایش سلاحهای شیمیایی: مطبوعات امریکا خیر از افزایش هزینه سلاحهای شیمیایی در ۱۹۸۳، به میزان هشتصد و ده میلیون دلار، یعنی دو برابر هزینه معمولی این سلاح، می دهند. در ۱۹۸۴ این هزینه به مبلغ ۱/۴ میلیارد دلار بالغ می شود. برنامه تقویت سلاحهای شیمیایی شامل موارد زیر می شود: — تجدید سازمان کارگاه سلاح شیمیایی در «ساین بلاو» در ایالت «ارکنزاس»، کنگره امریکا مبلغ بیست میلیون دلار اعتبار برای این کار اختصاص داده است.

— نظارت بر تولید سلاحی با اثر دوگانه؛ بمب توپخانه ای و بمب هوایی یا موشک؛ این سلاح به هر کس اصابت کند باعث فلج وی می شود. بنابه گزارش رویتر، هم اکنون مطالعاتی در مورد روشهای ذخیره این سلاح در پایگاههای هوایی امریکا در بریتانیا و آلمان باختری در حال انجام است.

به عبارت دیگر، پنتاگون علی رغم اینکه بودجه تسلیحاتی پنج سال آینده را — که مبلغ ۱۳۰۰ میلیارد دلار و به روایتی ۱۲۰۰ میلیارد است — برای تولید موشکها و هواپیما و ناوهای جنگی و تانکها و غیره اختصاص داده است، هنوز هم مدعی است که در این زمینه کوتاهی کرده است، چرا که این برنامه ریزها نیازمند هزینه های اضافی دیگری است که طبق برآوردهای مطبوعات امریکا حداقل به هفتصد و پنجاه میلیارد دلار می رسد، الحق که تنها چنین موجوداتی — که همان سرمایه داران انحصارات امریکایی باشند — قادر به «بلعیدن» این مبلغ همراه با چندین برابر آن که از چپاول ثروتها و دارایی ملل مستضعف در جهان سوم به جیب می زنند، می باشند آنها را نمی توان به درندگان و وحشیان تشبیه کرد؛ بلکه باید در ردیف مصیبت بارترین بلاهای خانمانسوز طبیعت و ویران کننده ترینشان نسبت به جهان زنده و کره زمین — همان جهانی که درندگان و وحشیان را احاطه کرده است — بشمار آورد.

تسلیمات هسته ای پیمان «ناتو»

پیش از این اشاره کردیم که استراتژی جدید امریکا مبتنی بر محاصره اتحاد شوروی با گسترش بمبهای اتمی بایرد متوسط از اروپا تا خاورمیانه و برخی کشورهای آسیایی نزدیک به اتحاد شوروی است.

بدون تردید ایالات متحد امریکا — سرکرده امپراتوری جهانی چند جانبه «چند قطبی» در گسترش این وسایل — که کلاً ساخت کارخانجات انحصاری

اوست— برای خود مصلحتی می بیند و هنگامی که همپیمانانش در پرداخت قیمت این سلاحهای پرهزینه، شرکت کنند، سود این کار بازهم بیشتر می شود و باید دانست چنانکه همپیمانان اروپایی و برخی کشورهای نفت خیز خاورمیانه از جمله مشارکت کنندگان دست و دلباز در تحمل هزینه های سنگین مربوط به سلاحهای ویرانگر امریکا هستند.

این سهمیه بندی هزینه ها در اروپا به عنوان همپیمانی اتلانتیک و در خلیج نفت [فارس] به عنوان خرید اسلحه— که تنها علیه اتحاد شوروی بکار می آید— مطرح می شوند. به این دلایل است که بی بینیم ایالات متحد امریکا با همپیمانان اروپایی خود فشار وارد می آورد تا با استقرار ششصد فروند موشکهایی با برد متوسط با کلاهکهای هسته ای در ناتو— به این بهانه که اتحاد شوروی موشکهای (SS-20) مستقر کرده است— موافقت کنند. موشکهای ناتو از دونوع زیرند:

کروز: می توان آن را به چندین کلاهک هسته ای مجهز ساخت. سرعت آن کمتر از سرعت صوت بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ کیلومتر در ساعت است [سرعت صوت حدود ۱۲۰۰ کیلومتر در ساعت است]. مشکل بتوان با رادار آن را پی گیری کرد زیرا در ارتفاع اندکی از سطح زمین (۱۲۰-۲۰ متری) حرکت می کند، برد آن به ۳،۷۰۰ کیلومتر می رسد.

پرشینگ: موشکی با کلاهک هسته ای، معادل بیست هزار تن T.N.T تا ۳۰۰ کیلومتری جو اوج می گیرد و در عرض ۱۲-۴ دقیقه به هدف می رسد.

پراکندگی این موشکها در اروپا به ترتیب زیر است:

آلمان غربی ۱۸۰ موشک پرشینگ و ۹۶ موشک کروز؛

بریتانیا ۱۶۰ موشک کروز؛

ایتالیا ۱۱۲ موشک کروز؛

بلژیک و هلند هر کدام ۸۰ موشک کروز.

برژنف در گفتگویی با مجله آلمانی اشپیگل^۲، تسلیحات با برد متوسط

«ناتو» را بدون در نظر گرفتن دو موشک کروز و پرشینگ خلاصه کرده است.

کشورهای ناتو تعداد ۹۸۶ فروند هواپیمای موشک انداز دارند که ۷۰۰

فروند آنها از نوع هواپیماهای امریکایی (F-111) و (FB-111) و (F-4)

۱. مطالعات فتح، ترجمه از گزارشهای ایالات متحد.

۲. فودستی، (بنگاه مطبوعاتی شوروی)، ۱۹۸۱/۱۱/۲.

است و نیز دارای هواپیماهای دریایی و اقیانوسهای اروپاست، علاوه بر آن دارای ۶۴ موشک بالستیک و ۵۵ ناوشکن متعلق به بریتانیا و ۹۸ موشک، ۶۴ ناوشکن متعلق به فرانسه است.